خبرنامه

سال دوم

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

بها ۳۰ ریال — شماره: ۵۸ — تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۲۱

باید در جریان مبارزات توده‌ها، در هر شکل و سطحی که باشد، قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

سرمقاله: چاره اندیشی آقای بازرگان و اوجگیری جنبش توده‌ها

حوادثی که در چند هفته اخیر در ایران بوقوع پیوسته است، بار دیگر وضعیت عمومی مبارزه مردم ما را بعیان نشان میدهد.

در "گرمدره" کرج شاهد حمایت رژیم جمهوری اسلامی از "مستضعفین" بودیم. شهرداری به تبعیت اسلاف جنایتکارشان ودرست بهمان شیوه‌ها آلونک های ۶۰۰ خانواده ستمدیده ومحروم را برسرشان خراب کرد. وپاسداران مسلح مثل همیشه با وحشیگریهای بی حساب خود، مردم محروم را بستوه آوردند. دستگاههای تبلیغاتی رژیم بیشرمانه کوشیدند تا حرکت اعتراضی مردم را تحریک "دوا برقدرت"! قلمداد نمایند. ولی مردم ما که گوشهایشان دیرزمانی است از این حرفهای مفت وپوچ پرشده، به آنها توجهی نکردند. ابتکار آلونک نشینهای آواره شده در این حادثه بسیار جالب بود. آنها با سرنشینان اتومبیل های متوقف شده شروع به صحبت و گفتگو کردند. وعلل اعتراض خود را بدین شکل تشریح نمودند وموج تاءثر آنها را برانگیختند. حتی برخی از این مسافرین با شنیدن داستان زندگی آنها وجنایتی

(بقیه در صفحه ۲)

"اکثریت" درخدمت جمهوری اسلامی

اکثریت خائن با اجازه وزارت کشور وتحت حمایت پلیس شهری درمیدان آزادی میتینگی بمناسبت اول ماه مه برگزار کرد. دراین میتینگ این خائنین به طبقه کارگر ومرتدان بی آبرو، اعلام کردند که نام سازمان خود را تغییر دادند. وازاین پس خود را سازمان فدائیان خلق خواهند نامید

(بقیه در صفحه ۵)

کشتار وسرکوب جنگ زدگان درشیراز

(درصفحه ۷)

اخبار کردستان

(درصفحه ۶)

گوشه ای از مشکلات کارگران شرکت ملی حفاری

(درصفحه ۱۲)

مراحم شاهانه وجمهوری اسلامی نسبت به مرعشی نجفی

(درصفحه ۱۶)

صیادان و رژیم جمهوری اسلامی

(درصفحه ۱۴)

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

تکثیر از هواداران: چریکهای فدائی خلق ایران

دنباله چاره اندیشی آقای بازرگان و اوجگیری جنبش توده‌ها

که رژیم جمهوری درحق آنها روا داشت آنقدر متاءثر شدند که گریستند.

اما حادثه مذکور تنها حادثه برجسته چند هفته اخیر ایران نبود. درسالروز تعطیل دانشگاه، وکشتار دانشجویان انقلابی توسط جمهوری اسلامی باردیگر رژیم جنایت پیشه وجنایت پیشگان رژیم، خون عده‌ای دیگر را برزمین ریختند. کسانی راکه برای اعتراض ودرعین حال گرامیداشت خاطره دانشجویان شهید درمقابل دانشگاه گردآمده بودند، توسط ارگانهای سرکوب واوباشان مزدوربشدت سرکوب کردند. دراین حادثه پلیس وپاسداران مزدور ازگاز اشک آوروسلاحهای آتشین استفاده نمودندوباندهای سیاه سازمان یافته حزب جمهوری اسلامی وشرکاء اینبار نیزشقاوت ضدخلقی وضدانقلابی خودرا باصدای انفجار نارنجکها وسه راهیها به گوش همگان رساندند. وپیکرخونین چندین رزمنده دیگر، که برای همیشه دیده ازجهان فروپوشیدند، گوشه‌ای ازجنایات این مزدوران کثیف را برای باردیگردرمقابل چشمان خونبار خلق ما بنمایش گذاشتند.

ازاینها گذشته درچندهفته اخیر، درگیری پاسداران مزدوروارباشان حزب جمهوری اسلامی با نیروهای سیاسی مترقی دربسیاری ازشهرهای ایران ازجمله حوادث دیگری است که باید بدان اشاره شود. بخصوص در قائم شهراین درگیری نقطه اوج بالائی را نشان داد. دراین حوادث باز هم پاسداران مزدورجوانان رزمجو وانقلابی ومردم مبارز را بخاک وخون کشیدند. اما مقاومت قهرمانانه وپرشور مردم، کینه ونفرت عظیم آنها را نسبت به جمهوری اسلامی نشان داد. دراین زدوخوردها، که مرکزثقل آن شهرهای مازندران بود، عکسهای سران رژیم جمهوری اسلامی پاره شد.* درهرحال برجستگی این حوادث چنان بودکه رژیم وابسته نیزمجبورشد آنها را دررسانه‌های گروهی خود، البته بصورت تحریف شده آن اعلام دارد، البته مثل همیشه، مبارزه اعتراضی مردم ما هرروزه درکارخانه‌ها وروستاها وگوشه وکنارشهرها، باشکال متفاوت جریان دارد. درگیریهای متعددکه درهمه جا مردم دریکسو، وپاسداران واوباشان درسوی دیگرقرارداردند، نشاندهنده این امراست که توده‌های ما دست ازمبارزه ومقاومت نکشیده‌اند. شعله خشم ونفرت دردل مردم مانند میکشدواینجا و آنجا، خودرا بنحوی نشان میدهد.

دراین میان اختلافات درونی سردمداران رژیم نیزهمچنان ادامه داردوخودرا ازشکافهای مابین صفوف آنها نشان میدهد. پندواندرزهای "امام امت" کارگرنیفتاد. هیئت رسیدگی به حل اختلافات نیز کاری نمیتواند انجام دهد. ارگانهای مختلف متعلق به طرفین دعوا ومشاجره مرتبا "برروی یکدیگرشلیک میکنند. بنی صدردرپیام خودبمناسبت روزکارگر، "حزب انحصارطلب" را علت بسیاری ازبدبختیها دانست درمجلس کار به دعوا وفحش وفضیحت کشیده شد. کار به آنجا کشیدکه رئیس مجلس مجبوربه تعطیل جلسه شد. خشم و نفرت توده‌ها، عدم وجود "وحدت کلمه" درمیان سران قوم، باعث شده است تا ترس واضطراب نیزبرجان آنها مستولی شود. آنها حس میکنندوبهمین لحاظ برخی ازآنها فکروذکرشان را متوجه این کرده‌اندکه چگونه میتوانندبار دیگراین چشمه جوشان را فروخوابانند.

هرکس برای خودعقیده‌ای دارد، حزب جمهوری اسلامی براین اعتقاداست که اسلام یعنی چماق. با اسلام وتحت آن توده‌ها را میفریبیم وهمزمان با آن با چماق میکوبیم، باسلاحهای سردوگرم بکشیم، با شکنجه آزاردهیم، بازندان عناصررزمجورا ازفعالیت بازداریم، هرصدای اعتراضی راخفه کنیم، با تیرباران ـ ها ایجادرعب ووحشت کنیم، با باندهای سیاه، انقلابیون رابکوبیم، اینست تنها راه حفظ رژیم. داروددسته بنی صدرمیگویند، آری بکوبیم، بکشیم، ولی همه این کارها را بایدطبق "قانون" انجام داد. تنها یک گروه "انحصارطلب" نمایدهمه این کارها را انجام دهد، همه بایدزیرنظروفرمانده‌ی کل یعنی آقای بنی صدربه چنین اقداماتی دست زنند. البته بحث آزادهم بایدباشد، همه گروهها بیایند وصادقانه حرفهایشان را بزنند، تا ازاین طریق مردم احساس کنندکه آزادی وجوددارد واستبدادغایب است.

واما داروددسته بازرگان: این داروددسته میگویند، اگرسالائیها باهم کنارنیایند، اوضاع روبراه میشودوبایدمبارزات پارلمانتاریستی را تقویت کرد. بازرگان یکی ازرهبران این داروددسته درمقاله‌ای بنام "مبارزه قانونی، ومبارزه مسلحانه" که درمیزان دهم اردیبهشت به چاپ رسید، نیات خودمردمی خود را باردیگرآشکارساخت. اوبه سردمداران حکومت هشدارمیدهدکه اگراوضاع براین روال پیش رود، خدامیداندکه چه میشود. نگاهی به این مقاله وروشن کردن برخی ازنکات آن میتواندترس واضطراب سردمداران رژیم

---

* مشروح این خبرها را میتوانید در "مازندران گوشه‌های سرکوب رژیم" ضمیمه خبرنامه ۵۷ مطالعه کنید.

www.iran-archive.com

وابسته‌کنونی را برملا کند.

آقای بازرگان باز هم مثل همیشه، با زیرکی خاص خودضمن اعتراض به "انحصارطلبان" از رژیم منحوس پهلوی دفاع میکند. مثلا" میگوید:

" رضا شاهی روی کار آمد، امیدواریهائی دادوگامهائی درجهت امنیت وتجددوحرکت واستقلال برداشت. همراه‌با دروغ وزور واختناق، یعنی بر- قراری استبدادوفساد. ملت معنای امنیت واستقلال وعظمت رادرشهریورییست دید"

ویا اینکه میگوید:

" ایران بعدازکودتای ۲۸ مرداد، رمقی ودستگاههائی داشت وچرخها میگشت؛ اما حالا معلوم نیست چه داریم، وچه بکنیم".

این تعریف وتمجیداز رضا شاه وایران بعدازکودتای ۲۸ مرداد؛ بارهای بارتکرارشده است. درحقیقت آقای بازرگان هیچگاه به اساس سلطنت پهلوی اعتراض نداشت، اوهرگزمخالف وابستگی به‌خارج نبود، در ظاهرامرآقای بازرگان فقط به‌این مسئله اعتراض داردکه رضا شاه ویا پسرش این "گامها" را با استبداد نیز همراه نمودند وبه‌نصایح "اربابان عاقلتر" خودگوش ندادند. مهندس بازرگان که‌خودوبسیاری ازیارانش ازسرمایه‌داران این مملکت هستند، کاملا" حق داردکه‌ازرضا شاه وپسرش محمدرضاشاه تعریف وتمجیدکندچراکه‌هم رضا شاه، وهم محمدرضا شاه، با سرکوب شدیدتوده‌ها ودیگرسیاستهای ضدمردمی خودتمام شرایط لازم را برای انباشتن جیب یکمشت سرمایه‌دارکثیف وابسته‌فراهم آوردند. با ایجاد امنیت توسط "دستگاههای" سرکوب گذاشتندتا "چرخهای" سرمایه‌بجلوبرودوسرمایه‌داران بتوانندبه‌چپاول وغارت ملت محروم ما بپردازند. رژیم پهلوی با پاسداری ازمنافع امپریالیستها، وبسط وتوسعه‌سلطه‌آنها "تجدد" آوردند. آنها با "بیکاری" کشیدن ازتوده‌ها، توانستند "حرکت" بوجودآورند. آقای بازرگان ودارودسته‌اش ازبسیاری ازاین نعمات برخوردار بوده‌اندوبنابراین نمیتوانندآرزومندنظم آریامهری نباشند. ازنظرآقای بازرگان وبارانش تنها بدی حکومت پهلوی دراین بودکه‌ستم را از "حد" گذرانده‌بودوامثال آقای بازرگان هم دخالت چندانی درامورنداشتند. حتی درآستانه‌اعتلاء انقلابی مبارزات خلق ما درچندسال پیش، مهندس بازرگان درنامه‌ای که‌به‌شاه‌نوشت، از "اعلیحضرت" تقاضاکردتا آنهمه‌براستبدادوزورتکیه‌نکندوبگذارد که‌مسائل ازطریق بحث ومناظره‌حل شود. ونوشت که‌تحقق این امرینفع سلطنت اعلیحضرت است. ووقتی آقای بازرگان نخست‌وزیرایران شدند، آشکارا وبی پرده‌گفتندکه" ما قصدنداریم همه‌آنچیزی راکه‌شاه درست‌کرد، خراب‌نمائیم ما همان کارهای عظیم را ادامه‌خواهیم داد، منتها با حذف دیکتاتوری. وسیر وقایع نشان دادکه‌همان سیاست شاه‌دنبال شدبا اضافه‌تشدیددیکتاتوری. اکنون مهندس بازرگان ودارودسته- اش وقتی تحت تعلیم "اربابان عاقلتر"، آینده‌ایران را مجسم میکنندوحال آنرا میبینند، بشدت ناراحت میشوند. وقتی میبینندبربعدازکودتای ۲۸ مرداد، ایران رمقی داشت، ودستگاههائی داشت وچرخها میگشت؛ ووقتی میبینندکه‌اکنون ایران رمق ندارد، وقتی میبینندستگاههای سرکوب ضدخلقی علیرغم تمام کشت وکشتارها، علیرغم‌تمام آن جنایتها نمیتوانندخروش توده‌ها را فرونشانند؛ وقتی میبینندمبارزات این مردم "پررو" نمیگذاردتا چرخهای این مملکت برروال بعدازکودتای ۲۸ مرداد وطبق منافع امپریالیست- ها وبورژوازی وابسته‌به‌آن گردش کند، واقعا" دلگیر میشود وآه ازنهادش برمیآید.

ازهمه اینها گذشته، مهندس بازرگان که‌سردوگرم روزگاررا چشیده‌است، وتجربه‌شاه را بعینه مشاهده‌کرده است، ازخشم وعصیان توده‌ها وازپیشاهنگان مبارزومسلح او، ترس عظیمی دارد. بهمین جهت میخواهد بقول خودراه حلی برای این مسئله‌پیداکند.

آب نبات چوبی پارلمان

راه‌حل آقای بازرگان برای جلوگیری ازگسترش مبارزه مسلحانه‌چیست؟ آقای بازرگان همان راه‌حل قدیمی را ارائه میدهد، البته با تفسیرخاص خود. او عقیده‌دارد تنها با تقویت پارلمانتاریسم، ومبارزه قانونی میتوان جلوی این شیوه‌کار سررا گرفت. شیوه‌ایکه بقول خودآقای مهندس هیچکس وهیچ چیزرا یارای

مبارزه پارلمانی فریب توده‌هاست

مقاومت با آن نیست. اکنون ببینیم که خود آقای مهندس بازرگان در اینمورد چه میگوید.

او ابتدا سئوال میکند، چه شد که مبارزه پارلمانی سستی و خیانت شمرده میشد و بعد خود جواب میدهد:

" ..... برای اینکه مبارزه پارلمانی بی خاصیت و از جهتی غیر ممکن درآمده بود و مبارزه مسلحانه تنها چاره بنظر میآمد و وقتی گفته میشد که جلسوی اینکار را هم خواهند گرفت و خفه و نابودتان میکنند، جواب میدادند یکنفر را که زیر شکنجه بکشند، ده نفر از میان مردم خواهد جوشید. از همان مردم بی زبان و مظلوم: مبارزه که روزگاری بصورت مقاومت درآمده بود، تبدیل به شهامت می - شد و وقتی عشق و شهامت میآید، هیچ نیروئی دیگر تاب مخالفت با آنرا ندارد. دیدیم که همینطور هم شد."

ترس از مبارزه مسلحانه سراسر وجود آقای بازرگان را بلرزه درمیآورد. درعین حال او میخواهد از این خطر جانکاهی که همه مزدوران را تهدید میکند استفاده نموده و در مبارزه درونی مابین حکومت کنندگان موقعیت برتری کسب کند. بازرگان با صراحت میگوید: " دیدیم که همینطور شد" و به رژیم و قدرتمداران کنونی هشدار میدهد، مواظب خود باشید، مواظب ما باشید، و کاری نکنید که از سر نیرقدرت از دست ما برود. درجملات دیگر مهندس بازرگان این دیدرا بروشنی بیان میکند.

" خدا نیاورد روزی را که خشم عمومی علیرغم قدرتها و ممانعت ها کار را به جنگ خیابانی کشانده اسلحه و ترور حاکم شود. قربانی اول کی خواهد بود، و چقدر مردم بیچاره زیر دست و پا خواهند رفت؟ پس از آن آیا از مملکت و ملت و از روشنفکر و روحانی، چیزی خواهد ماند؟"

آری، هیچ چیز نمیتواند مانع از فوران خشم و غضب توده ها شود. هیچ چیز، نمیتواند توده های عصیان زده را مانع شود تا به قطعی ترین عرصه نبرد کشیده شود. اکنون اوضاع اجتماعی و خشم و غضب توده ها بحدی رسیده است که مهندس بازرگان میتواند آنرا پیش بینی کند، و دست بدامن خدا شود که مبادا چنین روزی بیاید. از نظر بازرگان، در آنصورت مملکت از دست میرود؛ روحانیون که بظاهر قدرت را در دست دارند از دست میروند؛ روشنفکر که البته منظور آقای بازرگان خودوهم پالکی هایشان هستند، از دست میرود. خلاصه کلام بساط سردمداران کنونی رژیم جمهوری اسلامی برچیده خواهد شد و این واقعیت تلخ مهندس بازرگان را میترساند. حالا مهندس بازرگان از ترس این موقعیت و هم با استفاده از این موقعیت، کوشش میکند تا شاید حریف را کمی بر سر عقل آورد. و آنها را براه راست هدایت کند.

آقای بازرگان میگوید:

" درهرجا و هرزمان که جلوی آزادی و عدالت گرفته و زبانها بسته و قلمها شکسته شود، وکسانیکه در برابر قدرت انحصار طلب احساس تبعیض و ظلم مینمایند نتوانند حرفشان را راحت بزنند بلکه جوسازی و هزار مانع و محظور از قبیل تهدید، توقیف و تهمت های ضد انقلاب، همکاری با دشمن، اخلال در امنیت و تضعیف دولت ببینند و بشنوند و بطور خلاصه مبارزه پارلمانی ممنوع باشد چنان محیطی، محیط ظلم و فساد است، فرق نمیکند که گردانندگان و قوا با ازنوع شاه و آمریکا و عمال طاغوتی آنان باشند، یا متولیان و کسوت داران حزبی و مکتبی"

آیا واقعا" آقای بازرگان، که کشتار وقتل عام خلق کرد در زمان نخست وزیری ایشان آغاز شد، تا اینحد از ظلم وستمی که بر مردم میرود آشفته میشود؟ اگر در نظر آوریم که این آقای بازرگان همان آقائی است که ارتش قهرمان!! او خلق کرد را کشتار کرده و در زمان او خلق ترکمن سلاخی شد، دیگر شنیدن و خواندن این جملات کمی تعجب آور بنظر خواهد رسید. اما هیچ جای تعجب نیست. اینجا نکته ای است که همیشه باید در نظر داشت این سیاستمداران ضدخلق، اینرا دیگر میدانند و یاد گرفته اند که فریب توده ها یکی از وسائل مهم حکومت آنهاست. این سیاستمداران همواره کوشش میکنند تا نیات و آرزوهای قلبی و طبقاتی خودشان را به صورت آرزوها و نیات قلبی توده های مردم جلوه دهند، تا از اینطریق به مقاصد پلیدشان جامه ای ظاهرا" صلاح بپوشانند، و دیگر اینکه در فرهنگ اینان لغات دیگر آن معانی حقیقی خود را ندارند. مثلا" در مورد همین جملا - تی که آقای بازرگان برشته تحریر آورده اند، جملات ... دی کاملا" نشان میدهند که منظور ایشان از این ظلم وجور، آزادی و عدالت چیست. میتوانیم بفهمیم که از نظر آقای بازرگان چه کسانی مورد ظلم قرار گرفته اند. جملات زیر این مسائل را روشن میکنند:

بقیه در صفحه ۲۲

دنباله "اکثریت در خدمت جمهوری اسلامی"

این تغییر نام از یکطرف تحت فشار نیروهای مبارز و دموکرات صورت پذیرفت. ولی باید دقت کرد که این عامل، عاملی تعیین کننده نبوده است. "اکثریت" خائن بیشتر از آنستکه بخواهد به احساسات و ادراکات نیروهای مبارز و انقلابی کوچکترین توجهی نشان دهد. و فرصت طلبی آن بقدری است که در مقابل این بادها نلرزد. پس چرا اکثریت بالاخره نام خود را عوض کرد؟ عامل تعیین کننده در اینجا رابطه اکثریت با دولت است. اکثریت که بصورت سگ درگاه دولت درآمده است، نمیخواهد تا این دولت ضدخلقی کمترین رنجشی از او پیدا کند. و بهمین لحاظ قبول کرده است که غلام حلقه بگوش او باشد، و هر فرمانی را از او اطاعت کند. و اینک که دید حتی نام "چریک" رنج آور است، قبول کرد تا آنرا از روی خود بردارد. اکثریتی ها در این منجلاب آنقدر فرو رفته اند که عملاً" و بدون هیچگونه تفاوتی همان چیزهائی را تبلیغ میکنند که حزب جمهوری اسلامی میکند. آنها در کارخانه ها، در جانب کارفرمایان و دولت قرار میگیرند و در مقابل کارگران محروم مقاومت میکنند. در درگیریها در کنار پاسداران قرار میگیرند و در مقابل مردم مقاومت میکنند و بر همه نیروهای انقلابی و ملی جانبدار پروپا قرص دولت هستند و در مقابل همه نیروهای انقلابی می ایستند. اکنون دیگر چهره این اپورتونیستها کاملاً" عریان شده است، و مورد نفرت همه انقلابیون ایران قرار گرفته اند، تا آنجا که نیازی نیست تا کارنامه آنها برای بار دیگر بررسی شود. کافی است تا همین واقعه اخیر را بخاطر آوریم تا ببینیم آنها بیشرمی را بکجا رسانده اند.

همه میدانید که قریب هزار "فالانژ" به میتینگ آنها حمله کردند و با پرتاب نارنجک باعث کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن صدها نفر گشتند.

نماینده اکثریت در یک مصاحبه تلویزیونی، مسببین این امر را "گروهکهای مائوئیستی و "ساواکی ـ ها" قلمداد نمود.

واقعاً" بی شرمی و وقاحت بیش از این امکانپذیر نیست. این "گروهکها" چه قدرتی دارند که میتوانند چند صد نفر را سازمان دهند بنحوی که در روز روشن، جلسه محاصره پلیس دوستدار اکثریت را بشکنند و اینهمه کارها انجام دهند.

ولی معذالک همین کشتار، که توسط مزدوران او و باشان طرفدار رژیم صورت پذیرفته یک حقیقت را برای بار دیگر ثابت میکند و آن اینکه وقتی مزدوران سرنیزه را زیر گلوی آدمی میگذارند، باید سر فرو آورد تا از آسیب آن در امان ماند، و بالعکس هرچقدر بیشتر سر فرود آوری، تیزی آن هرچه بیشتر در گلوفشار خواهد رفت. و "اکثریت" نوکر صفت به چنین روزی افتاده است و اکنون باید انتظار آنرا داشته باشیم که بزودی صدای طبل مرگ این خائنین را بشنویم.

راهپیمائی روز اول ماه مه

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران ـ بابل

به منظور بزرگداشت ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر، رفقای هوادار ما در بابل دست به یک راهپیمائی موضعی زدند. این راهپیمائی که در ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت، از محل دبیرستان معتمدی واقع در چهارشنبه پیش آغاز شد و بیش از ۱۵ دقیقه ادامه داشت، بدون درگیری و با خواندن سرود "پرچمدار ستمکشان" بوسیله راهپیمایان، خاتمه پذیرفت.

راهپیمایان پلاکاردهایی با خود حمل میکردند که بر روی آنها نوشته شده بود: "پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش"، "مستحکم باد پیوند کارگران و زحمتکشان با چریکهای فدائی خلق ایران"، "گرامی باد یاد و رفقای کارگر شهید، چریکهای فدائی خلق، اسکندر صادقی نژاد، جلیل انفرادی، یوسف زرکاری و ایرج سپهری"

شعارهای این راهپیمائی که با استقبال پرشور مردم مواجه شد از این قرار بود: "کارگر، کارگر، زنده به کارتو ئیم"، "با پتک کارگر، ماداس بزرگر، بقدرت مسلسل، ایران را سراسر سیاهکل میکنیم."، "هدیه حکومت به توده های مردم، گلوله های سربی، پاسخ زحمتکشان، جنگ مسلحانه علیه غارتگران"، "چریک فدائی با خلق خود همرزم است و هم پیمان"، "تنها راه رهایی پیوند با فدائی، جنگ مسلحانه"، "ارتجاع توخالیست، کردستان گواهیست"، "کارگر، زحمتکش برپا خیز از جا کن کاخ ستمگران را".

اخبار کردستان

■ بوکان

درتاریخ ۶۰/۱/۹ یک ستون ارتشی بهمراه تعدادی پاسدار وجاش ازسقز بطرف بوکان حرکت کرده وآبادی سه‌راهی رادر ۱۵ کیلومتری بوکان به محاصره درآورد وپس ازمحاصره به قتل وغارت روستائیان آبادی پرداخت.

این ستون با اطمینان از عدم حضور پیشمرگان دراین روستا، باتجهیزاتی که شامل هشت خودرو و ۳۰۰ ارتشی وپاسدار وجاش بود برای سرکوب روستائیان زحمتکش آمده‌بود ودرحالیکه بوسیله ۳ فروند هلیکوپتر کبرا حمایت میشد به کتک زدن ودستگیری مردم بیدفاع وغیر مسلح پرداخت. ودراین مدت ازترس اینکه مبادا درلابلای کوهها ودرختزارها ،پیشمرگان کمین کرده‌باشند آنجا راباکالیبر ۲۵ ، به‌رگبار می بستند. سرکوبگران رژیم که درغیبت پیشمرگان یکه تازی میکردند مقرخالی حزب دمکرات راآتش کشیدند.

به هنگام حمله مزدوران خانه روستائیان نیز ازدستبرد این جنایتکاران درامان نماند،بطوری‌که یک فروشنده دوره گرد درحالیکه جلوی خانه نیمه ویرانش ایستاده بود اشاره کرد که سرکوبگران رژیم بجز خانهٔ خرابی،تمام سرمایه‌اش راکه حدود ۷۰۰۰ تومان بوده،دزدیده‌اند.

درجریان حمله ارتش وپاسداران به‌این روستا، پیشمرگان خلق کرد ازجمله چریکهای فدائی خلق بمنظور مقابله با مزدوران وحمایت ازمردم بیدفاع ازبوکان عازم روستای سه‌راهی شدند. ستون ارتش که ازنزدیک شدن پیشمرگان مطلع شده بود باوحشت وسراسیمگی مقداری ازوسائل وامکانات جنگی اش را بجاگذاشت ودر پناه آتش هلیکوپترها قرار کرد. سرکوبگران رژیم برای درامان ماندن ازضربات پیشمرگان خلق هفت نفر ازاهالی روستا رانیز گروگان گرفته وباخود به سقز بردند.

به‌هنگام این درگیری مردم بوکان وروستاهای اطراف نیز بمنظور دفاع ازروستائیان آبادی سه‌راهی درجلو مقر سازمانهای سیاسی دربوکان جمع شده وخواستار تحویل اسلحه شدند. اما پس ازشنیدن مکالمات هلیکوپترها که ازموج م.م بخش میشد وحکایت ازعدم موفقیت این ستون وفرار مفتضحانه‌شان میکرد، به‌ابراز شادمانی وبه‌تشویق پیشمرگان پرداختند. طبق اخبار تاءئید نشده درجریان این درگیری ها یک پیشمرگه حزب دمکرات شهید شد. ویکی ازجاشهای خودفروخته بسزای اعمال ننگینش رسید و کشته شد.

■ گزارشی کوتاه ازشهر بوکان

شهر بوکان یکی ازشهرهای کردستان است که تاکنون بعلت موقعیت خاص جغرافیائی اش وهمچنین نداشتن پادگان ازحمله ارتش وپاسداران مصون مانده‌است. وبهمین علت زنان وبچه‌هایی که ازنقاط دیگرکردستان که تحت بمباران قرار دارد، آواره گشته‌اند،به آنجا پناه آورده‌اند.

این شهر ازآغاز یورش دوم ارتش ضد خلقی مثل سایر نقاط کردستان تحت محاصره اقتصادی شدیدی قرارگرفته است. مخصوصا" درزمستان سال گذشته (۵۹) حلقه محاصره تنگ تر شد بطوریکه ازورود هرگونه مواد سوختی به آنجا جلوگیری بعمل آمد.

مسئله بیکاری که درکردستان بنحو چشمگیری وجود دارد دراین شهر نیز کماکان بچشم می خورد. خیابان اصلی شهر بوکان که محل عبور ومرور ماشینها بود حالا به چهارشنبه بازار تبدیل شده‌است. ازصبح تاشام میتوان درآنجا مردمی رادید که باچهره‌های چروکیده‌ای که نشان ازفقر وسوء تغذیه‌دارد، هرکدام به‌فروش چیزی مشغول هستند. آنها مرغ وخروس ، کوزه‌ای پنیر، سیگار (یا قندونبات رادراین بازار محقر بفروش میرسانند. آنها خودرا آوارگان جنگ می نامند. جنگ ببین کردها ورژیم‌وابسته‌جمهوری‌اسلامی ایران . رژیمی که مدتهاست بعنوان هدیه حقوق کارمندان وکارکنان ادارات شهر راقطع کرده‌

بقیه درصفحه ۱۰

هر بژی پیشمرگه ، دژمن نصیبت مه‌رگه

www.iran-archive.com

کشتار و سرکوب جنگ زدگان در شیراز

■ **شیراز**ـ از تاریخ سه شنبه ۶۰/۱/۱۱ تا ۶۰/۱/۱۸ شیراز شاهد یکی از شدیدترین درگیری ها میان آوارگان جنگ و سرکوبگران جمهوری اسلامی بود. طی این درگیری ها که به شهادت یکی از جوانان جنگ زده منجر شد، بسیاری از خوابگاهها توسط حیره‌خواران رژیم به آتش کشیده شد و بسیاری از مردم آواره مجروح و دستگیر شدند.

درپی سرکوب گسترده آوارگان جنگ، پاسداران مسلح درخوابگاهها مستقر شده و کوچکترین حرکتی را کنترل میکنند. درمحل اجتماع جنگ زدگان نیز جا دری از جانب سپاه پاسداران دایر شده که وظیفه‌اش بهم زدن تجمع آوارگان است. گروههای شکار جمهوری اسلامی درخیابانها و کوچه‌ها برای جنگ زدگان کمین گذاشته و آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. بساط ودکه‌های کار جنگ زدگان بهم ریخته و رانندگان خوزستانی بخاطر شرایط موجود بندرت کار میکنند. انگیزه رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی از این یورش خاموش کردن صدای اعتراض آوارگانی بود که از سختی های ناشی از جنگ به تنگ آمده و در زیر فشار اسلحه و سرنیزه ارگانهای سرکوب رژیم مجبور به تحمل مصائب هستند. رژیم که از روحیه تعرضی آوارگان بخوبی آگاه است، می دید که چگونه فریاد اعتراض آوارگان مورد حمایت مردم شیراز قرار میگیرد و چگونه حضور آوارگان در شهر فضای مساعدی را برای فعالیت نیروهای انقلابی آماده کرده است. از این رو با جاروجنجال سعی کرد که سرکوب آوارگان را درگیری بین خوزستانی ها و شیرازیها وانمود سازد. اگرچه در همچون شرایطی مردم ناآگاه نیز در این جریانات به ناحق به زدوخوردها کشیده میشوند، اما بسیاری از مردم که شاهد حمایت پاسداران و نیروهای انتظامی (شهربانی) از چماقدستان بودند به ماهیت این حرکات ارتجاعی پی بردند. نیروهای شهربانی شاهنشاهی اینبار دست در دست پاسداران اسلامی متحداً وظایف ضدانقلابی شان را انجام دادند. اما جنگ زدگان هم علی رغم همه تهاجمات روحیه انقلابی شان را به نمایش گذاشتند و هرجا که مورد تعرض قرار گرفتند با سنگ و کوکتل مولوتف دست به مقاومت زدند. اخبار زیر نشانگر چگونگی درگیریهائی است که طی یک هفته در شیراز روی داد.

سه شنبه ۶۰/۱/۱۱ ـ گروهی از جنگ زدگان درمقابل یکی از خوابگاههای خالی واقع در سه راه فلسطین (باغشاه سابق) که تنها ۲ـ ۳ نفر در آن زندگی میکردند، جمع شده و خواهان مصادره آن شدند. تجمع جنگ زدگان که از ساعت ۳ بعدازظهر شروع شده بود، ساعت ۱ نیمه شب بدون نتیجه خاتمه یافت.

چهارشنبه ۶۰/۱/۱۲ ـ آوارگان از صبح زود درمقابل خوابگاه جمع شدند و خیابانهای اطراف را بستند. تجمع آوارگان درشرایطی انجام گرفت که محل خوابگاه بوسیله پاسداران و ماءمورین شهربانی محاصره شده بود. جنگ زدگان که خواستهایشان را روی پلاکاردهائی نوشته بودند، شعار میدادند: "مسکن، مسکن، حق مسلم ماست". جنگ زدگان یک بار به درخوابگاه حمله برده، اما موفق به شکستن درنشدند. در این ضمن شخصی بلندگو در دست گرفته و به جنگ زدگان پیشنهاد کرد که با عاملین رژیم مذاکره کنند، ولی جنگ زدگان آگاه که بارها بی نتیجه بودن مذاکره را آزمایش کرده بودند، با شعار "مرگ برفریبکار، مرگ بردغلکار" این شخص را از صفوف خود طرد کردند و یکبار دیگر به درخوابگاه یورش برده و موفق شدند به نیروی اتحادشان ماءمورین شهربانی را کنار زده و در را بشکنند. چند نفر از آوارگان وارد ساختمان شدند اما بلافاصله بوسیله پاسدارانی که از قبل درخوابگاه مستقر شده بودند، دستگیر شده و از درعقب خارج شدند. سایر آوارگان که شاهد این صحنه بودند، مجدداً با شعار "پاسدار، پاسدار، حامی سرمایه‌دار" و "مصادره، مصادره، حق مسلم ماست" گروهی دیگر را بداخل ساختمان فرستادند. پاسداران که از مقاومت و تصمیم راسخ جنگ زدگان بوحشت افتاده بودند، با شیراندازیهای پی درپی سعی درپراکندن آنها کردند. ولی جنگ زدگان با پرتاب سنگ به مقاومت ادامه دادند. گروهی حزب الهی با مشاهده عدم موفقیت برادران ژ-۳ بدستشان درسرکوب جنگ زدگان، با چوب و چماق و چاقو به صفوف آنها حمله بردند و پس از مدتی زدوخورد گروهی را مضروب و تعدادی را نیز دستگیر

نابود باد جنگ غیرعادلانه و امپریالیستی دو دولت ایران و عراق

کردند. درحالیکه صدای فریاد زنی که میگفت: "با تمام شدن جنگ حکومت اینها هم تمام می شود"، بیهوده ـ بودن سرکوب رژیم را درمیان هیاهوی زدوخورد بگوش میرساند. دستگیری وضرب وشتم آوارگان تا ساعت ۱/۴۵ دقیقه ادامه داشت.

یکشنبه ۶۰/۱/۱۶ ـ ساعت ۱۲ ظهر تعدادی از جیره خواران رژیم طبق یک توطئه از قبل طرح ریزی شده به گروهی از جنگ زدگان درنزدیکی شاهچراغ یورش بردند. دراین زدوخورد یکی از مزدوران رژیم کشته شد.

دوشنبه ۶۰/۱/۱۷ ـ دراین روز گروهی اوباش که به زنجیر وچوب وچماق وساطور مجهز بودند، به شکلی کاملا" سازمان یافته به خوابگاههای جنگ زدگان حمله برده وساکنین خوابگاهها را بشدت مضروب کردند. آوارگان که ماهها درد نابسامانی وآوارگی ناشی از جنگ وتهمت وفشار فرومایگانی چون دستغیب، امام جمعه شیراز، را تحمل کرده بودند، خشمگین از این همه ظلم وستم رژیم دست براهپیمائی زدند. صف راهپیمایان ساعت ۳/۵ الی ۴ بعدازظهر از خیابان مشیرفاطمی براه افتاد وجنگ زدگان بعنوان اعتراض به حملات وحشیانه به طرف استانداری رفته وخواستار ملاقات با استاندار شدند. بجای استاندار که ادعا شد دراستانداری نیست، یکی از معاونینش بنام فتحی نژاد به میان جنگ زدگان آمد وگفت: "ما با شما کاری نداریم!! مجرمین را میخواهیم!!" زهی بیشرمی! چماق بدستان رژیم آوارگان بیگناه را مورد حمله قرار میدهند وآنوقت جناب معاون مظالم را از میان مظلومین طلب میکند. درهمین لحظه چماق بدستان که تائید به استانداری را از میان حرفهای فتحی نژاد گرفته بودند، دوباره بطرف جنگ زدگان حمله بردند وبدنبال آنها پاسداران ضد ـ خلقی نیز وارد صحنه شده وعده ای از جنگ زدگان را که با چوب وچماق کتک میخوردند، دستگیر کردند.

چماق بدستان که توسط پاسداران، مأمورین انتظامی وگروهی از سربازان که ۳ یا ۴ ماه خدمت کرده اند متشکل وحمایت میشدند، دامنه حملاتشان را گسترش داده وبه چهارراه زند که محل تجمع آوارگان جنگ وکسب وکار آنهاست نیز یورش برده وعده ای را مجروح کردند. بطوریکه بساطی ها وتاکسی هائی که شماره شهرهای خوزستان را داشتند، از این حملات درامان نماندند. پاسبانی که دراین ضمن یکی از اوباشان را دستگیر کرده بود، با زور وتهدید چماق بدستان او را آزاد کرد. یورش به جنگ زدگان به کلیه خوابگاهها وهتلهائی که آوارگان درآنها زندگی میکنند، کشیده شد ویکی از خوابگاهها درحوالی سه راه نمازی به آتش کشیده شد. مردمی که شاهد درگیریها بودند، اعتراض میکردند که چرا جلوی چماقداران را نمی گیرند. یکی از جنگ زدگان در پاسخ گفت: "اینها فقط مبارزات واقعی مردم را سرکوب میکنند". جنگ زده دیگری نیز چنین ادامه داد: مشت رژیم دیگر برای ما باز شده. ما از کشتار خلق عرب، مشاهده اجسادی که درداخل گونی به دریا می انداختند حمله به تحصن خانواده شهدای سینما رکس، ماهیت ضدخلقی رژیم را شناخته ایم.

جنگ زدگانی که درمحل استانداری دستگیر شده بودند، پس از انتقال به دادگاه انقلاب وستاد عملیاتی سپاه پاسداران بالاخره به بند ۴ زندان عادل آباد تحویل داده شدند. به هنگام انتقال دستگیرشدگان به زندان، زندانبانان جمهوری اسلامی برای اینکه صدای اعتراض زندانیان سیاسی که از هفته قبل دست به اعتصاب غذا زده بودند (خبرنامه ۵۵)، به گوش جنگ زدگان نرسد، به پخش نوارهای مذهبی پرداختند. اما صدای فریاد زندانیان که شعار میدادند: "زندانی سیاسی از زندان ارتجاع آزاد باید گردد"، درتمام سلولها طنین افکنده بود وتا ساعت ۱۲ شب بگوش میرسید. زندانبانان درپاسخ به اعتراض جنگ زدگان زندانی، آنها را به باد کتک گرفته وگروهی را با کابل وچماق شکنجه کردند.

سه شنبه ۶۰/۱/۱۸ ـ حملات سازمان یافته به خوابگاهها وشناسائی ودستگیری جنگ زدگان ادامه یافت. دو نفر از جنگ زدگان درفلکه شهرداری مورد هجوم اوباشان رژیم قرار گرفتند که یکی از آنها بکمک مردم موفق بفرار شد. اوباشان که مردم را رودر روی خود میدیدند، برای ایجاد رعب درآنها به خوابگاهی که درنزدیکی فلکه شهرداری قرار داشت، هجوم بردند. اما جنگ زدگان که بیشتر آنها را زنان وکودکان وبزرگسالان تشکیل میدادند، با لا گذاشتن وسائل سنگین درپشت درزیر تاب سنگ و ریختن آب برسر مزدوران، دست به مقابله زده وآنها را وادار به عقب نشینی کردند.

جنگ ناعادلانه امپریالیستی را تنها با جنگ عادلانه خلقها می توان از بین برد

کمک؟!... به جنگ زدگان

■ ساری

رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی که هرروز بیش از روز قبل دست به فریب توده ها میزند، اخیرا" به شیوه ای نوین دست یافته است که بشکل بارزتری ماسک " پارسا پرستی " از چهره کثیف او برمیدارد.

هرروز با بلندگوهایش از جنگ دم میزند. جنگی که ثمره ای جز فقر و مسکنت برای توده ها ارمغان دیگری ندارد و همانطور که شاهدیم آنان (جنگ زدگان) را آواره شهرها و دیارهائی دور از کاشانه شان نموده است، آنهم با بدترین امکانات و.... هرروز هم عربده میکشند که فلان و فلان قدر کمک برای جنگ زده ها شده است، اینهم دکانی دیگر برای تبلیغات آنها در صدا و سیمای لیبرتی نشان دادن چهره شان میباشد و روشن نیست این پولها و سرمایه ها که میبایست بدست جنگ زدگان برسد، به جیب کدامین مفتخور سرازیر گشته است.

در روز دوشنبه ۶۰/۱/۳، ژ-۳ بخشدار حکومتی وارد روستای رودکلا شده و از مسجد محل با بلندگو کمک برای جنگ زدگان ؟!... میطلبند. پس از یکساعت که خبری از کمک نمیشود، شروع بخواندن اسامی تک تک اهالی از پشت بلندگو میکنند که بیایید و کمک کنید. عده ای به این عمل اعتراض میکنند که موثر واقع نمیشود و به زور کمک جمع آوری میکنند. در این بین مرد کارگری یک ۱۰۰ تومانی میدهد و میگوید: " ۵۰ تومان را بگیرید و ۵۰ تومان دیگر را پس بدهید". پاسداران با کمال وقاحت میگویند: " ۵۰ تومانی نداریم پس بدهیم " و بدینگونه ۵ هزار تومان و چندکیسه لباس از اموال مردم را جمع آوری نموده و میروند. زهی بیشرمی!

گزارشی کوتاه از وضعیت آوارگان در جهرم

اردوگاه آوارگان در شهر جهرم یکی از چند صدمحلی است که آوارگان جنگ خانمان برانداز و غیرعادلانه ایران و عراق در آن بسر می برند.

این اردوگاه در زمان رژیم شاه ساخته شده که در آن زمان از رانده شدگان عراق در آن بسر می بردند هم اکنون ساکنین این اردوگاه را آوارگانی تشکیل میدهند که از اصفهان و خرم آباد آواره شده اند. نگهبانی اردوگاه بعهده سربازان ارتش است. زیرا قبلا" در اصفهان آوارگان با پاسداران درگیری داشته اند. و خاطره تلخ آن مردم را واداشت که در مقابل سپاه مخالفت و مقاومت کنند و همین مسئله باعث شد که افراد پاسداران مستقر در اردوگاه مجبور به ترک اردوگاه شدند. درحالیکه مردم از داشتن امکانات اولیه مثل برق محرومند انجمن اسلامی یک ساختمان سیمانی بزرگ را بخود اختصاص داده است. مردم فقط ۹ روز یکبار میتوانند به شهر بروند و یک گروه تحقیق کسانی را به شهر میروند زیرنظر میگیرد تا مبادا با کسی حرف بزنند. تا بحال مقامات رسمی که برای به اصطلاح بازدید به اردوگاه آمده اند. از آنچنان پذیرایی شایانی از جانب مردم برخوردار شده اند که همان لحظات اول فرار را برقرار ترجیح دادند. اولین بار مهندس میرسلیم به آنجا آمد که با مردم به محاصره ساختمان مخالفت خود را نشان دادند. اما به دستور وی پاسداران بروی مردم آتش گشودند که در نتیجه چند نفر زخمی شدند. بار دیگر نیز رجایی بقصد سخنرانی به اردوگاه آمده بود که خودش با ملاحظه اوضاع صدایش در نیامده اردوگاه را ترک کرد. ناگفته نماند که سرپرست این اردوگاه در رژیم سابق نیز در همین اردوگاه صاحب مقام و منصبی بوده که در رژیم فعلی ترفیع پیدا نموده و به مقام سرپرستی نائل آمده است.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

دنباله "گزارشی کوتاه از شهر بوکان" از صفحه ۶

کرده است. رژیمی که مدارس را منحل نموده اما حتی کوششهای اکثریت خائن برای جلوگیری از کار دوباره معلمین شهر نتوانست مؤثر افتد. ومعلمین آگاه ومبارز شهر با یاری پیشمرگدها به بازگشایی مدارس اقدام کرده وکار آموزش وپرورش را از سرگرفتند.

این روزها شهر بوکان حالت غیرعادی دارد که علت آن هم برخورد غیرمسئولانه وغلط گروههای سیاسی است.

خلق کرد با کینه‌ای سرشار به دشمنان وبا قلبی آکنده از عشق ومحبت به پیشمرگان انقلابی خود نگاه میکنند وآینده خودرا درآینده پیشمرگان جستجو میکنند. ولی آیا این نیروها بدرستی درجهت منافع آنها گام برمیدارند. این سئوالی است که هر انقلابی باید بدان پاسخ صریح وروشنی بدهد زیرا که خلق کرد چنین میخواهد. اوخواهان سرنگونی حاکمیت امپریالیستی است. اوخواهان آزادیست. او خواهان حاکم شدن برسرنوشت خویش است وتنها نیرویی میتواند واقعاً" انقلابی باشد که دراین راه گام نهد واین اهداف را درمبارزات خود دنبال کند.

نامه یک رفیق هوادار به خبرنامه مازندران

من نوجوانی هستم پانزده ساله که میخواهم درباره سرنوشت خودم ومبارزه خلقم مطالبی را برای مردم قهرمان ایران بخصوص رفقای هم سن خودم مطرح کنم.

در زمان شاه که مردم ایران درفقر وبدبختی بسر میبردند تمام خلقهای تحت ستم ازجمله خلق کرد بپاخاستند تا رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را سرنگون سازند. دراین میان که مردم میگفتند: "مرگ برشاه" وهمه بلندشده بودند وبه پادگانها حمله میکردند وخلاصه مصمم درازبین بردن رژیم شاه بودند، رژیم شاه سرنگون شدودولتی روی کار آمد به اسم جمهوری اسلامی. این دولت فرقی با دولت شاه نداشت. اوهم مثل دولت قبلی مردم را ازبین میبرد ووحدت خودرا با امپریالیسم بیشتر میکرد وملت را بیشتر درفقر وبدبختی قرار میداد. این دولت ازوقتیکه روی کار آمد هیچ کاری برای مردم نکرد تا زحمتکشان وبخصوص کارگران میخواستند حرفی بزنند وحق خودرا بخواهند با گلوله جواب آنها را میدادند. هدیه این دولت چیزی بجز بدبختی، فقر وفلاکت برای زحمتکشان نبود. خلاصه بقول معروف خر همان خربود فقط پالانش عوض شد. زمان شاه بخلق کرد خیلی ظلم شده بود؛ ازفرط ستمی که باین خلق میشد، خلق کرد همراه باخلقهای ایران بپاخاست که حق خودرا که حقی عادلانه بود ازاین دولت بگیرد، ولی دولت با گلوله جواب خلق کرد راداد. هنگامیکه خلق کرد فهمید که این دولت حق آنها را نمیدهد وباید با زور حق خودرا ازاین دولت ضد خلقی بگیرد مسلح شده وبارژیم بجنگ پرداخت. واز آنجا بود که پیشمرگ برسر زبانها افتاد. پیشمرگ فردیست مبارز، باشرف وانقلابی وطرفدار زحمتکشان که درمقابل دولت جمهوری اسلامی وهرنیروی کثیفی ازمنافع خلق دفاع میکند. بعدازفشار بی حد خلق کرد بدولت جمهوری اسلامی برای گرفتن حق خود، دولت با ارتش وپاسدارانش به کردستان ریخته ومیخواست که این خلق مسلح را ازبین ببرد. دولت به روستاهایی چون قارنا وقه‌لاتان حمله برد ودرآنجا به دختران تجاوز کردند، آنها را زنده زنده سربریدند وحتی برای نمونه ملای ده را که قرآن دردست گرفته بود ومیخواست که به این وسیله ازاین جنایت جلوگیری کند، سر بریدند. خانه‌های مردم را آتش زدند، ومحصول آنها را سوزاندند. آنها به کودکان معصوم وحتی به بچه‌های شیرخواره رحم نکردند. گاووگوسفندرا که تنها منبع معیشت زندگی مردم بود کشتند پس ازاین کشت وکشتار بود که ادعا کردند که اینها ضدانقلاب بودند. آیا کودک شش ماهه، دوساله یا گاو و گوسفند ضدانقلاب هستند؟ دولت به این جنایت راضی نشد وبه شهرها وروستاهای دیگر حمله برد. خمینی در

هر بۆی خەبات چەک دارانە کە تەنیا ریگای گیشتن بە رزگاریە!

زندە باد مبارزە مسلحانە کە تنها راە رسیدن بە آزادی است!

www.iran-archive.com

رادیو تلویزیون اعلام کرد که خلق کرد ضدانقلاب وضداسلام ورهبران آنها مفسد ورستاخیزیند.

دریک شب تابستانی که ما درکوچه بودیم وبازی میکردیم فانتومها بربالای شهرمهاباد به پرواز درآمدندوبا راکت شهر راکوبیدند وخساراتی هم به بارآوردند. آن شب کسی نخوابید. چندبچه کوچک ازترس دق مرگ شدند وبعدازپرواز فانتومها ارتش وپاسداران به شهر مهاباد سرازیر شدند. بعدازچندروز جنگ بداخل شهر مهاباد آمدند وبه اذیت وآزارمردم پرداختند وبا انداختن نارنجک به کشتار مردم بیدفاع پرداختند. بعدازمدتی پیشمرگان خودرا تقویت کرده وباحمله به پایگاههای محل استقرار پاسداران و ارتشیان توانستند ضربه هائی به آنها بزنند. پیشمرگها درتاریخ ۵۸/۷/۲۱ به شهربانی حمله بردند و آنرا تصرف کردند. من درآن لحظه درجلوی درخانه خودمان ایستاده بودم. وقتیکه به سرکوچه رسیدیم از خانه جوانان با تیربار ژ ـ ۳ بطرف ما تیراندازی شد، که پسرعمه ام توانست خودش رانجات دهد. دراثر تیراندازی بطرف من، براثرا صابت گلوله درکوچه افتادم وحدود نیم ساعت درآنجا افتاده بودم، که یک نفر پایم راکشید وبه خانه اش برد. درآن خانه شالم رابازکردند. من خیلی خواهش کردم که به من آب بدهند، ولی چون برایم ضرر داشت بمن آب ندادند. بعدیک نفرمرا برداشت بردسوار تاکسی کرد وبه شیروخورشید رساندند. درآنجا روانه اطاق عمل شدم. دراطاق عمل جای ۵ گلوله رابخیه زدند، که سه تا گلوله بدو دستم ودو تاگلوله هم به پشتم که نخاعم راقطع کرده بود. چندنفر بمن خون دادند که خون آنها مرا ازمرگ حتمی نجات داد. سه روز دربیمارستان مهاباد بودم وبعداز سه روز مرا به بیمارستان خمینی درتبریز بردند ودربخش مغز بستری کردند. وقتیکه دربیمارستان بودم، مهاباد صحنه جنگ بود، که پیشمرگان قهرمان ضربه های سختی بدولت زده، رادیوی دولتی میگفت: "که ضدانقلاب با سنگر بندی وراه بندان موجب نرسیدن آذوقه به پادگان وسپاه پاسداران شده است." وقتیکه دولت خودرادر تنگنا دید عقب نشینی موقتی کرد وشهربدست پیشمرگان افتاد. ولی با سیاستهای امپریالیستی مردم کردستان رافریب داد، که دولت میخواهد حق شمارا بدهد. وبا این حیله افرادی رابرای مذاکره به مهاباد فرستاد. وقتیکه زمستان گذشت، دراردیبهشت ۵۹ جنگ سنندج وسقز رادرست کرد ودرآنجا به کشتار مردم پرداخت. درآن جنگ پیشمرگان چندین هلیکوپتر وفانتوم وتانک راازبین بردند، وحدود ۲۰۰۰ پاسدار وارتشی راکشته واسیر ساختند. بعدازآن جنگ به جاهای دیگر کشیده شد. چندی نگذشت که ستون غارتگر حسنی وپاسداران چاقوکش به ایندرقاش حمله برد وبه قتل عام مردم بیگناه پرداخت. گندم وپونجه آنها را آتش زدند ودارائیهای آنها را باخودبردند وبه چندین دختر معصوم تجاوز کردند. حدود ۵۲ نفر که دربین آنها کودک دو وسه ساله وپیرمرد وپیرزن بود کشته شدند. حتی به گاووگوسفند نیز رحم نکردند وهمه این جنایت به بهانه اینکه ضدانقلاب درآنجاست انجام گرفت. آیابنظرشما کودک ۶ ماهه، پیرمردوپیرزن سالخورده، ضدانقلاب است؟ حال درباره جنگ مهاباد بگویم. یک روزکه ما بالای خیابان بودیم، مزدوری مسلحانه چرخدار نشسته بودم، یکدفعه دیدم که تانکها به خیابان آمدند وارتشیها شروع به سنگرسندی وسنگر سازی کردند. میخواستند پیشروی کنند، پیشمرگان جلوپیشروی آنها راگرفتند. آنها عقب نشینی کردند و دوباره به پادگان برگشتند وشهر راباخمپاره وتوپ ویران ساختند وموجب کشتن حدود ۵۰۰ نفر شدند. این جنگ پانزده روزطول کشید، شهربدست دولت افتاد. اول میخواستند با سلام وعلیک مردم رافریب دهند وبعداز مدتی شروع به گرفتن مردم واذیت وآزارآنها کردند. درمدت شش ماه که شهر دردست دولت بود به هرخانه ای ۳۰ لیتر نفت وکمی خواربار دادند. دربهمن ۵۹ پیشمرگان به شهرآمدند وضربات سختی به پاسداران زدند. حدود یکماه درمهاباد جنگ بود. دولت مردم مهاباد رازیرفشار قرارداد. کمترخانه ای رامی توانستی پیدا کنی که نان کافی داشته باشد. کدام انسان باوجدانی قبول میکند که بچه کوچک ازبی نانی گریه کند، شب راگرسنه بخوابد وبدرش به پیش دشمنانش یعنی پاسداران برود، وازآنها نان بخواهد وآنها درجوابش بگویند، نه. به شما نان نمی دهیم واوبرود وخودرا بسوزاند. مرگ برجلادان خلق نابودباد امپریالیسم وسگهای زنجیریش

با ایمان به پیروزی راهمان

رفیق فلح شما نوجوان ۱۵ ساله ـ ۶۰/۱/۹

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی مبارزه میکند

www.iran-archive.com

گوشه‌ای از مشکلات کارگران شرکت ملی حفاری

پس از قیام شرکتهای حفاری بسیاری در ایران تعطیل شده و یا کار را نیمه‌کاره رها کرده و از ایران رفته‌اند. و با توجه به سیاست رژیم بیشتر آنها بوسیله دولت اداره و راه‌اندازی میشوند. شرکت ملی حفاری نیز یکی از این شرکتها است که حدود ۱۶ ماه از زمان تاسیس آن میگذرد. مدیرعامل این شرکت شخصی بنام محمد رضا شماسی است که از افراد فعال حزب جمهوری اسلامی و عامل اصلی انحلال شوراهای کارگری صنعت نفت میباشد. وی از همکاران مدنی جلاد خلق عرب و استاندار سابق خوزستان میباشد. علاوه بر آن وی معاونت امور مالی و اداری مناطق نفت خیز را نیز بعهده دارد. وی تا بحال بارها از کارگران کتک مفصلی نوش جان کرده است، اما همچنان به اعمال ضدکارگری و چاکرمنشانه خود ادامه میدهد.

از جمله مسائلی که وی مطرح کرده، اینست که کارگران باید پولی را که بابت پایان سابقه خدمت در زمان تعطیل شرکت دریافت کرده‌اند، پس بدهند و در غیر اینصورت اخراج خواهند شد. وی برای این حرفش به بخشنامه‌ای که در سال ۵۸ از طرف رضا صدوقی معاون نظارت بر روابط کار صادر شده است، استناد میکند. در بند ۳ این بخشنامه آمده است: کارگرانی که بوسیله کارفرما اخراج شده و پولی بعنوان خاتمه خدمت دریافت نموده‌اند، پس از بازگشت بکار، باید آنچه اضافه بر حقوق و مزایای ایام بیکاری دریافت کرده‌اند را به اقساط و یا یکجا به کارفرما مسترد دارند و تنها در اینصورت سوابق خدمتی کارگران محفوظ میماند. اما شماسی خیلی خوب میداند که اولا" مبلغ دریافتی اکثر کارگران بابت پایان سابقه خدمت آنقدر ناچیز است که کارگران بسیاری بابت ایام بیکاری خود نیز از شرکت طلبکار خواهند شد و آن عده‌ای هم که به شرکت بدهکار میشوند، بعلت هزینه‌های سرسام‌آور و نداری قادر به پرداخت این پول نخواهند بود. و به این ترتیب او با استناد به این بخشنامه قصد انحلال شرکت را دارد. کارگران شرکت ملی حفاری مستقر در ستاد مقاومت مسجدسلیمان نسبت به این مسئله اعتراضات شدیدی نموده‌اند. اما شماسی نمایندگان آنها را نپذیرفته و گفته است: من کسی را بعنوان نماینده کارگران و شورا نمی شناسم.

کارگران مبارز باید بدانند که ماهیت این نوکران سرسپرده به امپریالیسم در اینست که حقوق کارگران و دسترنج آنان را به جیب سرمایه‌داران وابسته و اربابانشان بریزند و تنها در مقابل اعمال قدرت و اتحاد کارگران است که آنها مجبور به پرداخت حقوق کارگران میشوند. کارگران باید بدانند که در ضمن اینکه با اتحاد و مبارزه خود در صدد گرفتن منافع کوتاه مدت خویش هستند، باید بفکر اتحادی بزرگتر با تمام مردم برای شکست دشمن اصلی یعنی امپریالیسم و سگهای زنجیریش باشند.

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند
چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند

■ مرند

در تاریخ ۶۰/۱/۲۸ یکی از روحانیون مرتجع بنام سیدرحیم موسوی که فرمانده عملیات سپاه پاسداران و عضو هیئت پاکسازی !! جلفا نیز هست، بجرم عمل لواط با یکی از پاسداران محافظش دستگیر و به ۶۰ ضربه شلاق و ۴ سال حبس و خلع لباس !! محکوم شد.

در جریان افشای این قضیه که با خشم و نفرت مردم شهر علیه این مروجان فساد همراه بود، ۳۰ نفر از اهالی شهر نیز بجرم تظاهرات علیه ملای مکتبی بوسیله پاسداران دستگیر شدند. جریان واقعه از این قرار بود که موسوی آخوند ضمن سفری که مدتی پیش به همراه هیئتی از زوار به مشهد داشت، پاسدار محافظش را مورد تجاوز قرار داد. پس از بازگشت هیئت به مرند، پاسدار مذکور به دادگاه انقلاب اسلامی شکایت کرد. با وجود تلاش فراوان مسئولان شهر، خبر بسرعت در شهر پیچید. ناگفته نماند که این روحانی قبلا" نیز چند بچه را که به جرمهای مختلف به سپاه پاسداران برده بودند، مورد تجاوز قرار داده بود. مردم مرند که از مدتها پیش کینه این مزدوران را در دل میپروراندند، با خشم فراوان به خیابانها و استادیوم شهر رفته و ضمن تظاهرات خواستار اعدام موسوی شدند. مردم در جریان تظاهراتشان شعار میدادند: " مرگ بر آپولو" (موسوی ملا به این نام مشهور است)و" روحانی، پاسدار، پیوندتان مبارک " . پاسداران از همه طرف خود را در فشار میدیدند. چرا که نه تنها فرمانده " عملیاتی شان " بلکه روحانیت عزیز و عضو هیئت پاکسازی شهر در خطر قرار

بقیه در صفحه ۲۱

شیراز

دهقانان زحمتکش میهنمان پس از قیام به تقسیم زمینهای کشاورزی دست زدند و رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی از همان ابتدا با صدور اعلامیه‌ها وفتواهای رنگارنگ این عمل را برخلاف اسلام و حرام اعلام نمود و با گذراندن قوانین از مجلس به نفع مالکان حمایت خود را از آنها اعلام نمود و هر جا که دهقانان درمقابل این قوانین ضدخلقی ایستادگی کرده وبه مصادره زمینهای مزروعی پرداختند، آنها را به گلوله بست.

دهقانان به عینه دیدند رژیمی که صبح تا شب وشب تا صبح دربوق وکرنا می دمدکه " ما نه طرفدار فئودال هستیم ونه سرمایه‌دار "، درعمل فقط درجهت تاءمین منافع آنان گام برمیدارد.

سند بالا نشان میدهدکه چگونه دادگاه باصطلاح انقلاب شیراز درپی سیاستهای امپریالیستی ازژاندارمری یکی ازارگانهای سرکوبگر میخواهدکه افراد " فرصت طلبی " راکه کشاورزان را " تحریک " به مصادره زمینهای مالکان بزرگ میکنند، بعلت مخالفت با تصمیم " صریح وقاطع امام مبنی برتوقف بند ج " دستگیرکرده ودرصورت کافی نداشتن نیروبرای سرکوب ازپاسداران امپریالیسم کمک بگیرند.

زهی وقاحت وبیشرمی!

جمهوری اسلامی ایران

دادگاه انقلاب اسلامی

شیراز

تاریخ ۱۳۶۰/۱/۱۹

شماره ۹۲۵/۶

پیوست

بسمه تعالی

جناب سرهنگ مهدیزاده فرمانده محترم ناحیه ژاندارمری استان فارس

طی گزارشات واصله از گروهان ژاندارمری مرودشت و اقلید و بعضی نقاط دیگر عده‌ای از افراد فرصت طلب ویا خود سر دست بتحریکات کشاورزان زده وآنها را علیه کسانیکه چند هکتار زمین مزروعی دارند وخودشانهم تلمبه آب ووسائل کشاورزی دارند وکار میکنند بسیج نموده با امر قاطع وصریح امام امت رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران مبنی بر متوقف گردیدن بند ج اعتنا نکرده کشاورزان ساده دل را تحریک مینمایند ومانع اجرای احکام مقرره از دادگاه انقلاب اسلامی میگردند، خواهشمند است بطور بخشنامه بتمام گروهانها و پاسگاههای تابعه اعلام فرمائید در صورت مشاهده تحریکات وتصرفات غیر قانونی عاملین اصلی را شناسائی کرده و فوراً دستگیر وتحویل دادگاه بدهند ودر صورت نیاز میتوانند از سپاه پاسداران نیز کمک بگیرند.

حاکم شرع و مسئول دادگاههای انقلاب اسلامی شیراز.

۹ اسفند

بروجردی

انقلاب اسلامی فارس دادگاه

گیرندگان: فرمانده محترم سپاه پاسداران منطقه ۹

۲- بخش کشاورزی دادگاه جهت اطلاع و پیگیری

رژیم جمهوری اسلامی میگویدکه ارتش مدافع میهن وملت ماست.

ما میگوئیم ارتشی که شب وروز شهرها ودهات کردستان را بمباران کرده و روستاهای فقیرترک وکردمنطقه ما را با توپ وخمپاره درهم میکوبد درهیچ نقطه‌ای نمیتواند مدافع خلق باشد.

پس: نابود باد ارتش ضد خلقی.

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران ـ میاندوآب ۶۰/۱/۱۹

www.iran-archive.com

صیادان و رژیم جمهوری اسلامی

صیادان زحمتکش میهن ما نیز همچون سایر اقشار وطبقات خلق از مظالم رژیم جمهوری اسلامی برکنار نبوده ونیستند. بعداز سقوط شاه، صیادان درپرتو مبارزات شجاعانه خودتوانستند، مقررات ضد خلقی صید ماهی دوران شاه رازیرپا گذاشته وآنطورکه منافع برحقشان ایجاب میکرد به صید ماهی بپردازند آنها متحدا" وباروحیه مبارزه‌جویانه هربار درمقابل رژیم جمهوری اسلامی که سعی داشت قوانین آریامهری را ازنوبرقرار کند، ایستادند وآنطورکه همگان می دانند، اوج این مبارزات یکبار دربندر انزلی انعکاس یافت که پیام خونین صیادان مبارز به سراسر مردم ایران بود.

رژیم جنایتکار کنونی تصور میکند که با ایجاد جوخفقان وترور وسرکوب، قادر خواهدبود، مقررات آریامهری رایعنی مقرراتی که به انحصارات چپاولگر امپریالیستی، اجازه میداد که منافع غذائی مردم رابغارت ببرند، به صیادان تحمیل کند. اما رژیم جمهوری اسلامی این آرزو رابگور خواهدبرد. درزیر، درموردوضعیت صیادان تنکابن وحومه، صیادان پره‌سرگزارشاتی آمده که بیانگر گوشه‌ای ازمشکلات صیادان این نواحی است.

گزارشی ازوضعیت صیادان تنکابن وحومه

درکرانه‌دریای مازندران، (تنکابن) بیش از ۷۰۰ نفربه‌کارصیدمشغولندکه میتوان آنها رابه‌سه دسته تقسیم کـــرد:

۱ ـ صیادان کارگر" اداره‌شیلات"

۲ ـ صیادان آزادحرفه‌ای

۳ ـ صیادان آزادآماتور

۱ ـ صیادان کارگر" اداره‌شیلات": این بخش ازصیادان که‌ازکارگران " اداره‌شیلات "هستند، ۶ماه ازسال رابکارصیدمشغولند. " اداره شیـــلات " ۶ ماه ازسال رابرای صیدماهی آزاد اعلام کرده‌است. این صیادان اکثرا" ازآذربایجان وباشهرستانهای دور ونزدیک جذب شیلات تنکابن شده‌اند. آنها درروز بیش از ۱۰ ساعت کارمیکنندودرازای آن روزانه ۸۰ الی ۱۰۰ تومان مزدمیگیرند. مزایای بازنشستگی به‌آنها تعلق نمی گیردودرخانه‌های آلونکی کـــه‌از طرف " اداره‌شیلات" ساخته‌شده‌است، زندگی میکنند. آنها ۶ ماه‌دیگرسال رابه‌کشاورزی مشغولند.

۲ ـ صیادان آزادحرفه‌ای: این دسته‌ازصیادان نیزمانندصیادان کارگر" اداره‌شیلات" ازسال دوفصل رابکارصیدمیپردازند. ابزارتولیدآنهـــا عبارتست‌ازتور، قایق و.... تعدادی ازآنهـــا از " شیوپ" ماشین بجای قایق استفاده میکنندکه‌شیوه بسیارخطرناکی است. تعدادی دیگرنیزقایق پاروئی وقایق موتوری رابکارمیگیرند. استفاده‌ازقایـــق پاروئی نیزدردریای طوفانی بسیارخطرناک میباشد. آنها معمولا" چندنفری شریک شده‌وبه‌دریا می رونـــد.

این صیادان درگذشته‌برای خلاصی ازدست مزاحمتهای " اداره‌شیلات" به‌رئیس اداره‌ومأموران آن ونظامیان ژاندارمری باج می پرداختند. ازطرف دیگرمقداری ازدرآمدشان رانیزدرازای بدهی خـــود به " سماک " پرداخت میکردند. بدینترتیب بیش‌از ۷۰٪ درآمدآنها علیرغم قیمت‌گران ماهی دربـــازار صرف باج وقرض " سماک " میشد. آنچه‌که‌باقی میماند تنها ۳۰٪ درآمدبودکه میبایست باآن تمام سال رازندگی کنند. بهمین دلیل زندگی آنان درفقرمیگذشت.

بعدازقیام نیزتغییرچندانی دروضعیت آنهـــا ایجادنشد. هرچندکه‌تا اندازه‌ای رشوه‌وباج و خراج کم شد، اما بدلیل چندین برابرشدن قیمت ابزارتولیدماهیگیری ازجمله ۳ برابرشدن قیمت تورو قایق واخیرا" مسئله‌کمبودبنزین که‌باعث بالارفتن هزینه حمل ونقل وتقلیل زمان کارصیادان شده‌است، وضعیت صیادان رابدتراززمان حاکمیت رژیم قبلی کرده‌است.

ازآنجائی که‌این طریقه‌کارکفاف زندگـــی زحمتکشان دریارانمی دهد، صیادان ناچارا" دست بکار" پره‌زدن " میشوند، بدینترتیب که‌درفصلهای ممنوعه‌تورماهیگیری رابصورت حلقه‌ای تنگ درنقاط عمیق دریانصب مینمایند.

۳ ـ صیادان‌آزاد آماتور: این بخش ازصیادان ازمحصلان، دیپلمه‌های بیکار، کارگران باکار وبیکاروغیره‌تشکیل شده‌است. بعدازقیام تعدادشان روزبروزفزونی میبابدواین دررابطه‌مستقیم بـــا مسئله‌بیکاری درایران است.بدیهی است بعلـــت تجارب کـــه ایـــن عده ازصیادان همـــواره‌قبلا" به وضعیت‌صید وارد میشودکه‌اینکار باعث نگرانی خاطر صیـــادان حرفـــه‌ای شـــده است. امـــا بهـــر حال ایـــن زحمتکشـــان نیز بعلـــت شـــرایط زندگی خـــود ناچـــارند که به صیـــادی بپـــرد ـ ازنـــد.

www.iran-archive.com

وضعیت صیادان پره‌سر

از طریق گرفتن وام از سرمایه‌داران جزء و سماکان وسائل صید را از بازار آزاد تهیه کرده و درعوض ماهی‌های صیدشده را ارزانتر از بازار به آنان میفروختند. البته این کار را بطور قاچاق انجام میدادند و بهمین خاطر مجبور بودند همیشه مقداری از درآمدشان را هم بعنوان رشوه به مأموران شیلات بدهند. در اثر قیام بهمن وضع صید برای این صیادان تا حدودی آزاد شده بود. اما رژیم جمهوری اسلامی طاقت نیاورده و واقعه‌خونین انزلی را آفرید وپس از آن هم از طریق فرمانداری واستانداری از صیادان خواست تا نمایندگان خود را بفرستند وازنمایندگان خواستند تا درسراسر منطقه انزلی تا آستارا دست به صیادشناسی بزنند و برای صیادان کارت صادر کنند. تا بدین ترتیب صیادان را زیر یوغ خود درآورند. اینکار درسال ۱۳۳۶ نیز توسط رژیم "آریامهری" انجام گرفته بود که نتیجه آن وابستگی صیادان به شرکت های تعاونی گردید. به این صورت که صیادان کارت دار را محبور کردند با زیر رهبری شیلات یا شرکت تعاونی وابسته به شیلات درآیند.

متن کارت صادره از طرف شیلات درسال ۱۳۳۶ بدینقرار است.

" پروانه صید با دام ثابت در ناحیه (آستارا)

فقط درفصل صید..... با رعایت مقررات وآئین نامه صید درمحل تضمین شده دردریای بزرگ به صید ماهی سفید با دام ثابت بپردازند. این پروانه درصورت موافقت شرکت سهامی شیلات ایران قابل تمدید میباشد."

فرم تعهدنامه‌ای که جمهوری اسلامی صادر نموده وصیادان باید برای دریافت کارت (جواز صید) آنرا امضاء کنند، ضمیمه است. (به سند مراجعه کنید)

جمهوری اسلامی ایران

تعهد نامه صیادان غیر تعاونی شهرستان

[illegible]

امضاء متعهد — امضاء ضامن

نام و نام خانوادگی ــــــ نام ــــــ و نام خانوادگی ــــــ

در رابطه با توضیح متن این تعهدنامه باید گفت که دام شماره ۷۰ میلیمتری صرفاً "ماهیهای درشت را میگیرد که صیادان اکثراً "ماهیها را از دام ۶۰، ۶۵، ۵۰، و ۵۵ میلیمتری میگیرند ودام ۳۰ هم صرفاً "ماهیهائی از نوع کلمبه وکولی های کوچک را میگیرد. با توجه به اینکه درتعهدنامه صیادان را محبور به گرفتن ماهی فقط با دام شماره ۷۰و ۳۰ کرده‌اند، آنها در مضیقه قرار گرفته وقادر به امرار معاش خود نخواهند شد وبالنتیجه زیر قرضهای کلان سماکان خواهند رفت واگر اقدام به برپائی دام های قاچاق بنمایند، درگیری های آشکار با حکومت بوجود خواهد آمد.

البته شیلات برای جلوگیری از مبارزه یکپارچه صیادان از شیوه تفرقه اندازی استفاده میکنند. مثلاً" همانطور که درفرم تعهدنامه عبارت "امضاء ضامن" نشان میدهد، موقع صادرکردن کارت صیادان را بشکل زنجیروار ضامن همدیگر قرار میدهند که اگر صیادی از موارد تعیین شده شیلات سرپیچی یا تخلف کند، پای صیاد دیگرنیز که ضامن اوست، درمیان باشد.

همچنین برای اخذ کارت، صیادان باید دارای شرایط زیر باشند:

۱ ـ صیاد از بیست سال کمتر نداشته باشد.

۲ ـ لااقل ۵ سال سابقه صید داشته باشد.

۳ ـ هیچ کار دولتی نداشته باشد.

۴ ـ ۶۰۰ تومان بعنوان حق کارت به شیلات بپردازد.

www.iran-archive.com

مراحم شاهانه وجمهوری اسلامی نسبت به مرعشی نجفی

درخبرنامه شماره ۵۵ شما را از مسافرت آقای مرعشی نجفی به اسپانیا با پول مردم زحمتکش میهنمان برای معالجه چشم مطلع کردیم اینک سندی را ملاحظه میکنید به تاریخ ۱۳۴۱/۱۰/۸ که مرعشی نجفی بخاطر بیماری قلبی دربیمارستان شهرری بستری بود و از طرف شاه خائن شخص مزدوری بنام بهبودی به ملاقات او رفته و " مراحم شاهنشاه " را به او ابلاغ میکند وهمچنین به رئیس بیمارستان درمورد " مراقبت ـ های لازم " از مرعشی نجفی دستورهائی صادر میکند.

حال باید پرسید که چه چیزی باعث میشود که مرعشی نجفی هم از " مراحم شاهانه " دررژیم گذشته برخوردار میگردید وهم از " مراحم " جمهوری اسلامی درسفر به اسپانیا ؟!

دلیل آنرا باید درخوش خدمتی آقای مرعشی نجفی به امپریالیسم خونخوار آمریکا دانست که ارباب هر دو رژیم، شاه و رژیم جمهوری اسلامی میباشد.

شماره ۲۸۰۹ شنبه هشتم دی ماه ۱۳۴۱ تکشماره ۲۰ ر

تلفن

پست تهران

مدیر ـ ۳۸۳۲۱
هیئت تحریریه ـ ۳۵۲۳۰
دفتر آگهی ها ـ ۳۵۷۸۶
خیابان شاه آباد جنب کوچه ظهیرالاسلام صندوق پستی ۱۵۲۲ چاپخانه ـ ۳۸۷۴۵

صاحب امتیاز و مسئول : محمدعلی مسعودی
مدیر و سردبیر : قاسم مسعودی
جبهه مطبوعات متفق ایران

از طرف شاهنشاه از حضرت آیة اله مرعشی عیادت شد

بدستور شاهنشاه ظهر دیروز آقای بهبودی از حضرت آیت اله سید شهاب الدین مرعشی نجفی که بعلت عارضه قلبی بشهرری آمده اند واز طرف پزشکان بیمارستان فیروزآبادی تحت درمان قرار گرفته اند عیادت نمودند و مراحم شاهنشاه را ابلاغ کردند و برئیس پزشکان بیمارستان دستور مراقبتهای لازم صادر گردید.

آقای علم نخست وزیر نیز بوسیله تلفن از حضرت آیت اله نجفی احوالپرسی کردند. خبرنگار ما امروز گزارش داد که حال حضرت آیت اله نجفی رو ببهبود است.

www.iran-archive.com

بابل: ۵۹/۱۲/۲۸ ـ صبح ساعت ۴/۵ چند تن از رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق ایران مشغول نوشتن شعار روی دیوار بودند که یکی از افراد محله آنها را دیده وبا تلفن به سپاه پاسداران خبر میدهد.

این اوباشان با به قول خودشان " مأمو ـ ران نظافت " با ژ ـ ۳ به کوچه ششدری حمله میکنند که یکی از رفقا موفق به فرار میشود ورفیق دیگر که خودرا درچنگال اینان اسیر می بیند، با صدای بلند مردم را خبر میکند ودرپی آن دوتیر هوائی شلیک می ـ شود. خشم مردم برانگیخته شده وبدفاع از او میپردازند. به این ترتیب اهالی موفق برهانیدن رفیق از چنگال مزدوران میشوند.

جنایات رژیم شاه " درخارج ازمحدوده " باردیگر توسط رژیم جمهوری اسلامی در " گرم دره " کرج تکرار شد

روز ۵ شنبه ۲۷ فروردین ۶۰ حدود ساعت ۱۱ شب پاسداران ضدخلقی حاکمیت امپریالیستی به منظور خراب کردن خانه های زحمتکشان خارج ازمحدوده گرم دره واقع دراتوبان تهران ـ کرج یورش بردند وزن وکودک زحمتکشان را که دربرابر وبران کردن خانه هایشان پایداری میکردند با تهدید ژ ـ ۳ بباد کتک گرفتند وتوسط لودرهائی (۷۰ عدد) که بهمراه داشتند به تخریب خانه ها پرداختند. دراین میان ۲۰۰ تن اززحمتکشان را دستگیر وبه زندان قزل حصار بردند.

صبح روزجمعه ۶۰/۱/۲۸، زحمتکشان گرم دره، اقدام به بستن اتوبان تهران ـ کرج نموده وسرنشینان اتومبیلها را ازجنایات رژیم در گرم دره مطلع ساختند. با طرح شعارهائی چون " مرگ بربهشتی ـ مرگ بر رجائی ـ مرگ برخمینی " نفرت خودرا ازاین اعمال غارتگرانه پاسداران امپریالیستی نشان دادند.

طبق آخرین اطلاع هم اکنون رفت وآمد دراین منطقه توسط پاسداران کنترل میشود وتاکنون جمعاً حدود ۳۰۰ نفر دستگیر شده اند.

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران ـ تبریز ،
بمناسبت اول ماه مه ، روز جهانی کارگران، اعلامیه‌ای دادندکه درقسمتی ازآن میخوانیم :

اول ماه مه تجلی قدرت تاریخی پرولتاریا بر علیه تمام نظامهای ظالمانه است

" ..... والحق میتوان گفت نقشی که این رژیم درخدمت به امپریالیزم دارد از عهده هیچ سگ زنجیری دیگری دراین برهه ازتاریخ برنمی آمد وهمین است که توده‌ها فریاد میزنند" اینها روی سیاه رژیم جنایتکار شاه را سفیدکردند" واین جنایت تاریخی ای که رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در شرایط خونبار میهنمان مرتکب شده است درتاریخ جهان کم نظیر است ، رژیمی که ازمبارزات تاریخی کارگران وسایرزحمتکشان درسازش با امپریالیسم سوء استفاده‌کرده وحالا بی شرمانه‌کارگران را برای بکار انداختن تولیدسرمایه‌داری وابسته تهدیدبه اخراج ، زندان ، وشکنجه و..... کرده تا بتواندبخیال واهی خودبا بکار انداختن روابط فرسوده سرمایه‌داری وابسته چندصباحی به عمر ننگین خودزالووار ادامه دهد. این دیررسیدگان به‌خدمت امپریالیسم باید بدانندکه مبارزات طوفنده کارگران ومتحدانش هرگز این اجازه خوش خدمتی را به آنها نخواهد داد.

.....

حنبش دانشجوئی ودانش آموزی ۱۹ بهمن بمناسبت
اول ماه مه اعلامیه‌ای منتشر کردندکه درقسمتی آمده است:

گرامی باد خاطره ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

.....

برگزاری مراسم همبستگی جهانی طبقه کارگردرحامه زیرسلطه ما ازویژگی هائی برخوردار بوده‌است. کارگران ایران برای اولین باردر ۱۱ اردیبهشت سال ۱۲۹۹ این روزراجشن گرفتندوبدین طریق بلوغ سیاسی خودرانشان دادند. اما دوران سیاه دیکتاتوری رضاخان وضعیتی رابوجود آورد که کارگران مجبور شدندبطورمخفیانه اول ماه مه راجشن بگیرند. ولی دوباره درسالهای پس از جنگ جهانی دوم روز اول ماه مه رابطوروسیع وعلنی برگزارمیکردندوتنها پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ واستقرار کامل حکومت امپریالیستی تا ۱۱ اردیبهشت سال ۵۸ در تاریخ مبارزات کارگران ایران امکان برگزاری مراسم روز همبستگی جهانی کارگری فراهم نگردید.

.....

.....

اکنون دیرزمانی است که صدای توپ وخمپاره مسلسلهای رژیم جمهوری اسلامی دراطراف میاندوآب لحظه‌ای خاموش نمیشود. افزایش نقاط استقرار ارتش ضدخلقی وپاسداران امپریالیسم دراطراف واکناف میاندوآب وسرکوب وحشیانه روستاهای ترک وکرد بیانگرترس و وحشت رژیم ازمبارزات توده‌هاست .

ت (۱) هواداران چریکهای فدائی خلق ایران ـ میاندوآب ۶۰/۱/۱۹

www.iranarchive.com

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران ـ بابل

بمناسبت اولین سالگرد یورش وحشیانه رژیم به دانشگاهها اعلامیه‌ای دادند. درقسمتی از این اعلامیه آمده است:

گرامی باد "دوم اردیبهشت" اولین سالگرد حماسه دانشگاه!

آری ضرورت سرکوب دانشگاهها بوسیله حکام وقت را باید درنقش دانشگاهها در گسترش وعمق هر چه بیشتربخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما دید.

اما خواست رژیم بدون سازشکاری نیروهائی که رهبری مبارزه را دردست داشتند تحقق پذیر نبود. رژیم بخوبی به نقش دانشگاه پی برده بود ومیخواست این عرصه مبارزه را ازخلق بگیرد. درمقابل، نیروهای انقلابی میتوانستند ومیبایست با توسل به تمامی شیوه‌های مبارزاتی، این عرصه مبارزه را حفظ کرده، گسترش بخشند. اما جای رهبران واقعی دراین جنبش خالی بود. دوستان مجاهد خیلی سریع وبرای حسن نیت خودبه حاکمیت ودرانتظار بخشش بعدی او، عرصه مبارزه را ترک کردند. آنگاه نوبت به رهبران خائن جریان منحط "اکثریت" رسید. اینها که نوکری حکام وقت را پیشه خودساخته اند، درجریان وقایع دانشگاه نیزدرکنار حاکمیت ودرمقابل جنبش خلق قرارگرفتندوهرکسی راکه برتداوم مبارزه وحفظ عرصه دانشگاه اصرارورزیدند با مارک هرج ومرج طلب، چپ رو وغیره راندند. وصد البته که خیانت خودرا به این وسیله که رژیم، باصطلاح "مردم" را بسیج کرده است، توجیه کردند.

معلمین ۱۹ بهمن تهران، هوادار جریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز معلم اعلامیه‌ای دادند. درقسمتهایی از این اعلامیه آمده است:

این شیوه حقیقی وراه معلم است

یک دست برکتاب ودگردست برتفنگ

روز ۱۲ اردیبهشت تظاهرات معلمان که موردپشتیبانی دانش آموزان وبخشهای مختلفی ازمردم قرارگرفته بود، دربرابر مجلس شورای ملی با دخالت پلیس به‌خون کشیده شد. رئیس وقت کلانتری بهارستان "سرگردناصرشهرستانی" با کشیدن اسلحه کمری خودوآتش گشودن بسوی معلمان موجب شهادت "دکترابوالحسن خانعلی" معلم مبارز شد. گرچه شمع هستی خانعلی خاموش شدولی هرگزبا خاموش شدن یک شمع تاریکی برجهان حاکم نخواهدشدکه جشن خفاشان خون آشام وگریزندگان ازنورشود. رژیم با کشتن اومیخواست ترس ووحشت را بردلهای مردم بیاندازدتا آنان دست ازمبارزه بشویندوسگهای زنجیری امپریالیسم بازهم برخانمان وجان ومال مردم حاکم باشند. ولی مبارزات معلمان انقلابی ادامه یافت وتارهائی زحمتکشان ازیوغ امپریالیسم ادامه خواهدیافت.

معلمان مبارزکردستان که درکنار زحمتکشان این خلق ستمدیده موردیورش پاسداران وارتشیان قرار گرفتندوشهیدشدندوباران سب وخمپاره به‌سرشان ریخت قربانیان دیگری هستندکه رژیم برای بقای خویش ازاین قشرآگاه گرفته است.

رژیم کنونی که با فریب توده‌ها وبه‌دست امپریالیسم سرکارآمده ازنقش معلمان مبارزدرسرنگونی رژیم پیشین کاملا" آگاه است. اودیدکه چگونه ۱۳ آبان که نقطه عطفی درمبارزات دانش آموزان است با راهنمائی معلمان انقلابی بوجودآمد. اودیدکه شاگردان دبستانهرنگی وبهروزدهقانی چگونه کمربه مبارزه آشتی ناپذیربا رژیم شاه بستندوچگونه وجوداین معلمان راستین درکلاسها باعث آگاهی دانش آموزان ودرنتیجه توده‌ها شده وبا ادامه این وضع خودسرنوشت رژیم شاه را خواهد یافت. پس می بایست برای ماندن چند صباح بیشتربرتخت فرماندهی فکر میکرد. اگر رژیم شاه بطور انفرادی معلمان آگاه را به شکنجه‌گاه میبردو مخفیانه جانشان را میگرفت ویا تبعیدشان میکرد این رژیم که صد البته کالای

www.iran-archive.com

جدیدا در اتی امپریالیسم ودست پخت اوست بطوردسته جمعی نزدیک به سی هزار معلم آگاه را از سرکلاسها بیرون کشیدواز کاربرکنارکرد وبه نام " پاکسازی " و " بازسازی " مدارس را از " پاکان " پاک کرد ونظام سرمایه داری آسیب دیده از مبارزات توده ها را با به کارگرفتن عناصر منحط ومزدوربازسازی نمود.

.....

.....

مستحکم باد پیوند معلمین انقلابی با چریکهای فدائی خلق

معلمین جنبش ۱۹ بهمن تهران

((هوادار چریکهای فدائی خلق ایران))

تنها با گسترش مبارزات خلقها،

و تنها در یک جنگ مسلحانه طولانی علیه امپریالیسم

و پایگاه داخلیش است که طبقه کارگر قادر است

رهبری مبارزات خلق را بعهده گرفته

و میهن تحت سلطه ما را از زیر نفوذ

امپریالیسم بدر آورد.

((پیش بسوی تشکیل ارتش خلق!))

جنبش ۱۹ بهمن تهران

(هوادار چریکهای فدائی خلق ایران)

تراکت شماره ۳۱

تاریخ: ۶۰/۲/۱۱

www.iran-archive.com

★ گزارش چهلم شهید صنم قریشی ★

■ هرمزگان

بدنبال ترا ـ کتی که از طریق صرف دانش آموزان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق مبنی بر دعوت از مردم بندرعباس جهت شرکت در مراسم چهلم شهید صنم قریشی در بهشت ـ زهرا در روز قبل پخش شده بود. در روز چهلم مردم به قصد شرکت در این مراسم بطرف بهشت ـ زهرا حرکت کردند ـ فالانژهای اکثراً آنها غیر بومی بودند مسلح به چاقو و چوب ـ اکیپ شمشیری ملبس به لباسهای سپاه و مسلح به یوزی و ژ ـ ۳ و پاسداران با سلاح ژ ـ ۳ نیز خود را برای حمله به مردم آماده کرده بودند.

خون ستاره خونین خلق میلیشیای قهرمان صنم قریشی دستهای تا آرنج به خون آلوده رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را آلوده تر ساخت و لکه ننگین دیگری بر پیشانی همیشه در حال سجده به امپریالیسم جمهوری اسلامی نشاند.

ما ضمن گرامیداشت چهلمین روز شهادت میلیشیای قهرمان صنم قریشی، خواستار محاکمه و اعدام انقلابی مزدور کثیف و عمله ظلم امپریالیسم عبدالصمد شمشیری در پیشگاه خلق قهرمانمان هستیم!

مرگ بر امپریالیسم و مزدوران زنجیری اش!

جنبش دانش آموزی ۱۵ بهمن طرفداران جریکهای فدائی خلق ایران ـ هرمزگان

بمحض ورود مردم به بهشت زهرا نا گهان فالانژها چاقو و چوب بطرف مردم بیدفاع حمله بردند. اجتماع کنندگان که مورد ضرب و شتم قرار میگرفتند، با پرتاب سنگ بدفاع از خود برخاستند که نا گهان صدای گلوله های ژ ـ ۳ فضا را پر نمود. آنها که سلاح اولیه شان سی اثر شده بود، به سلاحهای آتشین متوسل گشتند و وقیحانه بطرف مردم تیر اندازی مینمودند. درهمان لحظات اول یکنفر به اسم سایانی کشته شد. مردم که جز مشتی از خاک گورستان چیزی در دست نداشتند، بطرف تپه ای که پشت قبرستان قرار داشت، فرار میکردند. وزخمی ها پشت سرهم از حرکت باز میماندند. مزدوران نیز چون شکارچی بدنبال مردم میدویدند و بالاخره با محاصره آنها تعدادی حدود ۱۵۰۰ نفر دستگیر و عده زیادی نیز زخمی شدند. در این زمان مادر صنم که بر روی قبر عزیزش مویه میکرد، نا گاه مورد تهاجم این خود فروختگان امپریالیسم قرار گرفت. آنها وقیحانه قصد داشتند حصیر را از زیر خاک بیرون آورند. مادر شهید که مانع کار آنها میشد بشدت مضروب ساختند و خواهر او را نیز دستگیر نمودند. مادر صنم فریاد میزد: "این سازشکاران قادر نیستند تقاص خون عزیزم را از این مزدوران بگیرند." بدنبال این حرف نا گهان طنین شعار مرگ بر پاسدار ـ مسلسل، مسلسل جواب ضد خلق است، فضا را پر نمود و بدنبال آن مردم خشمگین بطرف ماشین سپاه حمله بردند. مزدوران از ترس خشم مردم پا به فرار گذاشتند. مردم با دلی مملو از کینه میگفتند: با دست خالی به اینجا آمدن حماقت محض بوده است. آری دوربیست زمانی که دستان این زحمتکشان سلاح برگیرد و انتقام خون عزیزانشان را از این جیره ـ خواران امپریالیسم بگیرند.

زخمیها را به بیمارستان محمدی بردند و بعد از آن با زجود آنکه شرایط بدنی آنها اصلاً" خوب نبود، آنها را به سپاه پاسداران انتقال داده اند.

تعداد زیادی از دستگیر شدگان را بجای بردن بزندان به خانه های شخصی برده اند. (خانه های تیمی سپاه)

۶۰/۲/۱۲

گرامی باد خاطره شهدای خلق

www.iranarchive.com

بقیه از صفحه ۱۲

گرفته بود و بهمین خاطر با حمله به تظاهرات مردم و دستگیری گروه زیادی، اعلام کردند که اینها همه با نقشه ضدانقلابیون است. با این وجود تحت فشار شدید مردم مسئولین سپاه مجبور به دستگیری و محاکمه چماقکشـ ـان شدند.

مردم شهر با شنیدن خبر مراسم شلاق زنی موسوی در استادیوم شهر جمع شدند. آنها بخوبی میدانستند که ماهیت همه سردمداران یکی است و بهمین خاطر میگفتند: اینها همکاران رضاخان را شلاق مصنوعی میزنند. یکی دیگر از فرماندهان سپاه با سردمداران مزدور بنام علی نوری که سیل جمعیت و خشم و کینه مردم را مشاهده میکرد، آنها را تهدید کرد که در صورت شعار دادن علیه روحانیت و یا دولت دستگیر خواهند شد.

بدنبال استقبال این روحانی به زندان تبریز و عکس العمل و شعار زندانیان در مقابل او، سه نفر از زندانیان اهل مرند به زندان محرد فرستاده شدند.

بدست در رابطه با سابقه مبارزاتی موسوی باید گفت که او از مخبرگویان رژیم شاه بود و در زمان شاه تعدادی از مبارزین "شاه" را لو میداد و بعد از رسیدن حکومت حاکمیت وقت از ترس خشم مردم "شاه" به مرند می‌آید.

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران ـ بندرعباس بمناسبت روز ۱۹ بهمن آغاز مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی خلق ایران در سیاهکل نمایشگاهی ترتیب دادند که مورد استقبال مردم قرار گرفت. عکسهای مقابل صحنه‌هائی از این نمایشگاه را نشان میدهد.

بقیه از صفحه ۴

" توقیف روزنامه میزان ومدیرمسئول آن ، حملات جسورانه غیرقانونی قبلی که به سایر مطبوعات واجتماعات ودفترها واحزاب شده است ؛ جریان محاکمه امیرانتظام ، طرح قانونی محدودیت احزاب ، زمینه سازیهائی برای روز ـ نامه انقلاب اسلامی ورئیس جمهوری ، علیرغم اطلاعیه اسفندماه گذشته امام ، نمونه های یادآور اعلامهای مکررپایان مبارزه پارلمانی گذشته است . تحریم وتعطیل مبارزه کار راطبق سنت تاریخی والهی وهمانطورکه آثارش ظاهرشده است ، بمبارزه مسلحانه وآشوب داخلی میکشاندکه وظیفه خوددانستم هشداردهم."

پس معلوم میشودکه توقیف روزنامه میزان وزمینه چینی برای انقلاب اسلامی نمونه های تجاوز به مطبوعات هستند . یعنی وقتی آقای بازرگان ازنقض آزادی مطبوعات صحبت میکند ، وقتی آقای بازرگان داد وفریاد میکندکه دراین مملکت آزادی مطبوعات نیست ، منظورش تنها مطبوعاتی ازقبیل میزان وانقلاب اسلامی است ، نه مطبوعاتی که زبان حال خلق میتوانندباشند . آقای بازرگان ازاین امرناراحت است که حریف اودردستگاه حکومتی مطبوعات خودرادارد ، ولی مزاحم کارامثال آقای بازرگان میشود ، نه اینکه خواهان آن باشدکه آزادی قلم برای زحمتکشان ونمایندگان آنها نیزتحقق یابد . ووقتی آقای بازرگان ازتهمت وافتراصحبت میکند ، وبرای افرادمظلوم دل میسوزاند ، منظورش امیرانتظام ورئیس جمهورهستند بنابراین آقای بازرگان بهیچوجه دلواپس توده ها نیست ، بلکه دربندنان وآب خویش است . بازرگان با خودا ینطورفکر میکندکه وقتی مردم میبینندمجلس مثل مجلس شاه است ، وحتی ظاهرا مررعایت نمیشود ،، و عملا" کاره ای نیست ، خوب مسلما " حتی برای مدتی هم که شده به آن دلخوش نمیکنندوازاینطریق نمیتوان توده ها رافریب داد ، وبخیال آقای بازرگان جنبش آنها راتحت کنترل درآورد . آقای بازرگان وقتی میبینند امورهمانگونه به پیش میروند که درزمان شاه ، بنظرخودا ومبارزه مسلحانه اجتناب ناپذیرمیشود . واین تصورسراسروجودآقای بازرگان را میلرزاند . اووقتی میبیند که باهیچ مانعی نمیتوان جلوی این مبارزه نیرومندراگرفت ، وقتی میبیندبارزمین افتادن یکنفر ، ده نفربپا میخیزند ، سرگیجه میگیردوبه عجز ولابه میافتد ؛ باخواهش وتمنا میخواهدهمکاران و همدستان خودرابرسرعقل آوردوباگریه وتضرع میگوید:

" آقایان عزیزبیائیدمحض رضای خداوخودتان دست ازانحصاربردارید . ملت رابشناسید وصاحبخانه بدانید . مبارزه پارلمانی وانتقادرابپذیرید و قانون اساسی راآنطورکه هست وبتمامه رعایت کنید . ماچیزی خلاف و خارج از قانون اساسی که به رفراندوم ملت رسیده است ، نمیخواهیم."

وقتی آقای مهندس میگوید ملت رابشناسیدوصاحبخانه بدانید ، منظوراوازکلمه ملت ، داردوده خودشان است ، .... " ملت رابشناسیدوصاحبخانه بدانید " ودردنبالش میگوید : " ماچیزی خلاف وخارج از قانون اساسی که به رفراندم ملت رسیده است ، نمیخواهیم." مهندس میفهمدکه وقتی طوفان شود ، دردرجه اول همه آنها ، یعنی " روحانیون " و" روشنفکران "(البته منظورآقای بازرگان ازروشنفکران کسانی امثال خودشان هستند) بزیرکشیده میشوند . او" مکتبی های " جنایتکاررا به همکاری بیشتردعوت می ـ کند وبه آنها میگوید : " ماحاضریم ، شماقدم پیش بگذارید" اومیگوید :

"شماکه دولت دارید ، سپاه وپاسدارو کمیته دارید ،جهادسازندگی دارید ، حزب الله دارید ، صداوسیما دارید ، خطبه جمعه وپیش خطبه دارید ، مجلس دارید ، دولت دارید وهرکاری میتوانیدبکنید ، کمی کوتاه بیائید ، دست ازانحصار بردارید وسهم ماراهم بدهید."اساس تقسیم این سهم هم همان قانون اساسی

واساس تقسیم این سهم هم همان قانون اساسی ضدخلقی ، ضدمردمی ، ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی میباشد .

بازرگان وقیحانه میگویداگرآزادی وعدالت باشد ، پیروزی بردشمنان ومشکلات بهترتاءمین خواهد شد . مادیدیم که منظورازآزادی ، آزادی امثال بازرگان ومنظورازعدالت ، رعایت حقوق وسهیم کردن هرچه بیشتراین بخش ازدشمنان مردم ما ، توسط بخش دیگری ازدشمنان قسم خورده خلق ما است که اکنون

مرگ بر فریبکاران و دغلکاران

کمکهای مالی رسیده

آمل

الف :	۹۹۹
ح :	۲۱۲۷
د :	۱۳۵۶
ر :	۸۵۰
غ :	۱۰۸۱۱
ف :	۱۰۲۵
م :	۱۳۱۱۱
ن :	۴۵۰
ن :	۵۵۵۵
و :	۱۰۸۷۳
ر :	۳۴۳ کوپن رسید

بابلسر

م :	۹۵۶

بابل

الف :	۲۰۰۰
الف :	۱۰۰۰۰۰
پ :	۲۰۰۰۰۴
ح :	۷۹۹
ج :	۲۱۹
خ :	۲۵۵
دار :	۵۰۱۸
ر	۵۵۲
ژز	۵۰۱
س	۳۳۲
ط	۹۷۵
ع	۱۴۲۵
ع	۲۱۲
ف	۱۰۵۲
ف	۱۰۱۲۵
ف	۱۶۶۶
ک	۲۰۵۰۵
ک	۶۵۵
ک	۷۶۶۰
ل	۵۰۰۰
م	۱۱۴۷۹
م	۵۰۱
م	۲۶۰۰
م	۱۰۲۵
م ـ ص	۲۲۶۰
م ـ ف	۲۰۴۳
م ـ ۱۴ آذر	۳۰۰۰
و	۵۹۹۹

رفقای کارگر

ح	۸۸۰
ع	۲۶۷۵
م	۶۰۰۰

* *

خانواده آئین ۱۵۱۲

دامون ـ ۰۱ هدیه شما رسید

ر ـ ۱۰۰۳ هدیه شما رسید

ص ـ ۲ کوپن رسید

ع ـ ۶۷۵ کوپن رسید

م ـ روغن موتور رسید

م ـ ۲۰۰۰ هدیه شما رسید

۱۹ بهمن ـ ۲۲۰۰ ریال

قائم شهر

الف	۹۵۰
ب	۵۱۳
ب	۱۰۱۲
ح	۲۰۱۲
غ ـ س	۱۰۰۰
ع	۴۰۰
ن	۲۰۰۷

نور

مسعود	۸۵۰

ساری

الف	۵۱۲۵
الف	۱۰۰۰
ب	۵۲۳۵
ج	۱۴۰۰
ج	۵۴۲۸
ر	۷۰۰
ش	۵۰۰
ش	۶۰۰
ص	۱۰۵۵
ط	۵۰۳۷
ف	۶۵۰
ف	۲۳۴۴
م	۳۱۴
م	۲۲۸۴
م ـ خ	۵۰۵۴
ن	۲۰۵۵
ف ـ ۲۴۲ کوپن رسید	

بهشهر

ب	۷۰۰
گ	۲۳۴۹
ب ـ ۲۰۰ کوپن رسید	
ت ـ کمک داروئی	

گلوگاه

الف	۱۲۳۱
جم	۳۲۷۵
ش	۱۴۳۵
ف	۱۸۴۰
م	۱۶۵۴
ن	۱۲۶۳

بندرگز

ص	۳۵۲۱
مریم	۱۴۰۰

گرگان

ر	۱۱۱۹

گنبد

ج	۱۰۲۳۳
ه	۱۰۳۱۴

رامسر

د	۹۷۵

تنکابن

ج	۱۰۹۹
ش ـ ع	۵۳۳
ف	۱۱۷۶
م	۲۱۳۲
م	۵۲۶
ه	۴۳۳۵

رودسر

بدون اسم و کد ۵۷۰۰ ریال

لنگرود

بدون اسم	۶۰۲
ن ـ الف	۱۲۳

لاهیجان

ی	۹۰۵۰
بدون حرف	۵۰۲۲

رشت

م	۱۱۱

تهران

رفقای کارگر

ا ـ ر	۱۲۵۵
پ	۵۵۲
ع	۵۹۹۹
ن	۹۵۰
رفیق ع کارگر جلو ـ کتابی	۵۰۰
خانواده کارگران	۵۲۲۳
رفیق کارگر هدیه شما رسید	۳۳۳

* *

الف	۵۰۵۰
الف	۱۶۰
الدوز	۲۰۰
ب	۶۱۱۱
ب ـ و	۱۳۷۹
پ	۵۰۵۰
پ	۷۰۶
ت	۶۰۰
ج	۲۶۲۳
ج	۳۱۹
ج	۱۰۱۹
ج	۵۲۲۲
ج	۵۰۲
ج	۵۱۰۰
ج	۵۱۵۰
ر	۵۷۹۰
ر	۲۰۱۰
ر	۶۰۰
ر	۶۰۲۸
س	۵۰۴
س ـ م	۲۰۰۱
ش	۳۹۹۹
ش	۱۰۴۳
شام اسبی	۸۰۰
ص	۲۱۰
ع	۳۰۹۹
ع	۲۰۶
ع	۲۰۱۲
ف	۲۵۳۰
ف	۱۵۰۳
ف	۵۹۹
ف	۱۰۰۵
ک	۳۴۶
ک	۱۴۰۱
م	۳۳۲۰
م	۲۳۳۰
م	۱۵۱۴
م	۱۵۰۰
م	۱۶۲۳
م	۱۳۲۴
م	۵۲۵
م	۲۵۰۲
ن	۳۲۴۳
ن	۴۴۶
ن	۴۰۱۹
ن	۱۱۴۲
ه	۳۷۳
ه	۱۱۰۳
ه	۱۱۰۰
ه	۱۰۰۲
ه	۱۰۰۰
ی	۱۵۰۵

* *

۰۲۳	۲۰۰
بدون کد	۶۰
بدون کد	۶۰
بدون کد	۵۰۰
بدون حرف	۵۱۰
۶۴۶ ـ دارو رسید	
۳۹ ـ کوپن رسید	
د ـ ر ۱۰ کوپنهای بنزین رسید	
شام اسبی ـ کوپن بنزین رسید	
ش ـ ۴۴ کمک داروئی	
رفیق بهزاد هدیه شما رسید	
رفقای رنوز کمک داروئی رسید	
رفقای مرید ـ کمک داروئی رسید	
ج ـ کوپنها رسید	

تبریز

الف	۳۱۴۳
ال	۵۱۰۰
ب	۱۰۰۰۱
د	۱۰۰۰۹
سعید	۱۰۰۰۱
ق	۳۰۸۸
ق	۱۰۰۳
ل	۳۰۳۶
م	۶۱۱
م	۱۰۲
ی	۱۰۰۹۹
ال ـ ۱۰۰ کمک داروئی رسید	
دختران دانش آموز کمک داروئی رسید	
ع ـ ۱۸ کمک داروئی	
م ـ ۸ کمک داروئی	

اراک

خ	۸۵۵

بندرعباس

ت	۲۰
ح	۵۲
ص	۱۲۰
ص	۱۲۰
ص	۵۲۰
ط	۳۰۰
ق	۳۰۶
ک	۴۶
م	۱۰۰
بدون کد	۵۰۰
بدون کد	۲۰۰
بدون کد	۴۰۰
بدون کد	۱۰۰
بدون کد	۷۵
بدون کد	۵۰
۳۱۶۳	۲۰۰۰
۳۳	۵۰
۰۱	۱۰۰
۲	۲۰۰
۳	۱۰۰
۱۵۰	۱۰۰
۱۶	۲۰۰
۳۰	۱۵۰
۱۳	۱۰۰
۴	۴۵۰
۱۸	۱۰۰
۲۲۶۹	۵۰۰
۱۷	۱۰۰
۴۶	۱۰۰۰
۲۷	۲۰۰
۱۰۰۰	۵۰
۱۲	۵۰۰
۱۰	۵۰۰
۲	۲۰۰
۱۳	۳۰
۱۲	۲۰
۱۰	۱۰۰
۱۹	۲۰۰
۲۳	۱۰۰۰
۱۵۷۳	۵۰۰
۱۱۱	۱۰۰۰
۱۰۵	۵۰۰
۱۰۶	۵۰۰
۱۰۸	۵۰۰
۳۳	۱۰۰۰
۶۱	۲۰۰
۲۲	۲۰۰۰
۱۱۱۱	۲۰۰۰
۱۵	۱۰۰۰
۵۲۳۱	۱۰۰۰
۶۵۲	۱۰۰۰
۲۶	۱۰۰۰
۲۶۹	۵۰۰
۶۳۴	۱۰۰۰
۴۰۵	۵۰۰
۳	۲۰۰
۳۰	۵
۱۴	۱۰۰
۳۱	۱۵۰

مشهد

ت	۱۰۳۴۹

اصفهان

آ	۵۰۳
الف	۵۱۲۱
الف	۲۱۱۸
ب	۴۱۴
د	۶۰۷۷۷
ر	۵۵۸
س	۵۰۳
ش	۱۳۲۳
ص	۲۰۱۳
غ	۲۹۱۵
غ	۵۰۵
ک	۵۶۶
م	۲۰۵
م ـ رفیق کارگر	۱۰۰۵
م ـ رفیق کارگر	۱۰۹۵
م	۱۰۳۶
هدیه	۲۵
رفقای ارامنه	۵۰۰
رفقای کوچولوی جنگ زده	
ب	۱۰۹۹
ش	۱۰۶۵
الف ـ ۱۱۱ کوپن روغن رسید	
کامی عزیز هدیه شما رسید.	

کرمانشاه

آر	۱۰۰
شهاب	۳۰
لیلا	۱۱۹
م	۵۰۵۵
۱۹ بهمن	۷۰
۱۱ اسفند	۳۰

آذرشهر

ج	۶۱۹
ف	۴۱۹
ج ـ کوپنهای بنزین	

میاندوآب

ر ـ کمک داروئی رسید

رفیق کارگر هدیه شما رسید

پاوه

حسین	۱۰۰

بناب

رفیق کوچولو ـ ۱۰۰۰

فسا

ق ـ خ	۲۳۰۰
بنزین	۱۵۵۵

شیراز

ف	۱۹۲۱

مسجد سلیمان

الف ـ م	۵۰۰
ث	۱۴۵۷
دانش آموز	۱۰۰۰

www.iran-archive.com

بیشترا رگانهای این دولت وابسته بدست آنها اداره میشود . اکنون بازرگان میگوید اگرحقوق ما رعایت بشود ، پیروزی بردشمنان ومشکلات بهترتاء مین خواهدشد . این دشمنان چه کسانی هستندواین " مشکلات" چه مشکلاتی هستند؟ این دشمنان همان کمونیستها وتوده های محرومی هستندکه توسط آنها " تحریک " می ـ شوند . این دشمنان همان خلق کردندهرما ن است که ازرمان تحت وزیری آقای بازرگان موردهجوم قرار گرفتند وکشت وکشتار آنها همچنان ادامه دارد . این دشمنان همان خلق ترکمن هستندکه درزمان آقای با ـ زرگان سرکوب شدند . این دشمنان همان کارگران " پررو " و " نق نقو " هستندکه سرکوبی آنها ازرمان آقای بازرگان شروع شدوهمچنان توسط رژیم جمهوری اسلامی دنبال میشود . آقای بازرگان با این جنایات مخالفتی ندارد . درهمان زمان اوبودکه دست دردست " انحصارطلبان " فصل جدیدی ازکشتاروجنایت را در این مملکت گشود . درحقیقت آقای بازرگان بمکتبی های خیانت پیشه ، چماقدار ، وجنایت پیشه جمهوری اسلامی پیشنها دمیکندبیائید دست دردست هم بهمه این کارها دست بزنیم ، آنهم بنام ملت ،بنام نمایندگان ملت.

اینطورکه معلوم است ، آقای بازرگان ازحزب جمهوری اسلامی وشرکایش میخواهدکه بیایندوحرف اربابان عاقلتررا گوش کنند . درهرحال آقای بازرگان باید این حقیقت را دریابدکه توده ها درمبارزه حق ـ طلبانه خودبسرعت تجربه می اندوزند وتوده های ما این حقیقت مسلم را دریافته اندکه جمهوری اسلامی نمی ـ تواند دردهای آنها رادرمان کند ، وتبلیغ شیوه هائی چون مبارزه قانونی آنقدرکهنه شده است که برای هیچ نیروئی جزنیروهای خائن بخلق ، ازقبیل اکثریت ، حزب توده وامثالهم جذابیت ندارد . وتوده های ما روزبروزاین حقیقت رابنحوروشنتردرک میکنند که تنهاراه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است .

***

شاهین شهر

الف ۲۰۰۰

الف ۲۱۹۶

بروجن

ج ۵۰۲

نهاوند

پویان ۱۰۰۰

د ۵۰۱۰

غ ۵۰۰

کروس ۵۰۰

کارگر ۱۰۰

ف ـ کوپن بنزین رسید

باغبادران

الف ۵۷۳

ح ۹۲۱

خ ۵۲۶

آلمان غربی

موئنشتر ۲۲۰

برمن ۱۵۰

اتریش ـ وین

ه ـ س ۳۳۶۵

اتریش ـ لئوبن

ل ۱۰۲۰

ایتالیا

مجموع دانشجویان ایرانی درایتالیا (هواداران چریکهای فدائی خلق ایران) ۴۰۰۰۰۰

اورمیه

ع ۸۰۰۷

ب ۳۰۰۰

آهنگر ـ ۶ هدیه شما رسید

گاوگان

ب ۵۰۰

قزوین

ب ۳۱۰۰

کسرج

ج ـ ۶ کمک دارویی رسید

م ـ ۳ کمک جنسی رسید

گچساران

۱۰ ـ کوپن ارزاق رسید

اهواز

ب ۲۰۳۹

ع ۲۰۰۹

ب ـ کمک دارویی

رفیق کارگرجابخانه هدیه شما رسید

کوهسار

رفیق کارگر ۴ ـ ۵۹   ۵۰۰

www.iran-archive.com

****

برقرارباد جمهوری دمکراتیک خلق

برهبری طبقه کارگر

****

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بهای خبرنامه ۳۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن دربین زحمتکشان پولی دریافت نکنید .